

جعل سند: مروری بر تنش‌های داخلی فارس در سال‌های نخست دهه ۱۳۰۰ شمسی

منصور نصیری طیبی

در چارچوب زد و خوردهای سیاسی ایران معاصر از حربه‌های مختلفی استفاده شده است. جعل سند نیز یکی از این حربه‌ها بوده است. در این یادداشت به یکی از نمونه‌های نسبتاً متأخر این عمل می‌پردازیم و در توضیح زمینه‌های آن، به پاره‌ای از تنش‌های ایلی و سیاسی در سال‌های نخست دهه‌ی ۱۳۰۰ شمسی در فارس نیز اشاره‌هایی خواهد شد.

در مجموعه‌ی خاطرات سردار فاخر حکمت که در سال ۱۳۷۹ به کوشش سیف‌الله‌وحیدنیا^۱ به چاپ رسید، در بخش ضمائم نامه‌ای منسوب به صولت‌الدوله جای گرفته بود خطاب به بالیوز انگلیسی در محمره. در این نامه ضمن شرح چگونگی آغاز رویارویی با انگلیسی‌ها، ضمن ابراز ندامت از وقایع مزبور، شروع جنگ صولت‌الدوله را به ناصر دیوان کازرونی و ایاز کیخادره‌شوری نسبت داده است. همچنین از جانب وی درخواست شده است که با وساطت سردار اقدس (شیخ خزعل) عهدنامه‌ای بین طرفین منعقد گردد. [نگ به پیوست شماره [۱]]

علاوه بر این در مجموعه اسنادی که چندی بعد در سال ۱۳۸۳ به کوشش موسی مطهری‌زاده تحت عنوان ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد منتشر شد، نامه مزبور بدون اشاره به انتشار پیشتر توسط آقای وحیدنیا و باز هم بدون ذکر منبع مجدداً به چاپ رسید.^۲ انتشار چنین نامه‌ای آن هم از جانب صولت‌الدوله که به خاطر مخالفت و مبارزاتش با انگلیس در

۱. رضاحکمت، خاطرات سردار فاخر حکمت، به کوشش س. وحیدنیا، تهران، البرز، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰-۲۲۸.

۲. موسی مطهری‌زاده، ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد، تهران، کازرونیه، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳-۱۷۲.

جعل سند: مروری بر تنش‌های داخلی فارس در سالهای... / منصور نصیری طیبی

جنوب ایران شهره شده است، پاره‌ای از مطلعین و پژوهشگران این حوزه را به شگفتی انداخت. در میان پرسش‌هایی که می‌توانست مطرح شود یکی نیز آن بود که نامه‌ی محرمانه صولت‌الدوله به یک مقام انگلیسی چگونه در همان زمان به دست مخالفان او رسیده است؟

راقم این سطور نیز به خاطر علاقه‌مندی به حوزه پژوهشی مزبور پیوسته از زمان انتشار این سند به دنبال روشن شدن این موضوع بود که بالاخره، در خلال فرصتی که برای بررسی اسناد ایالت فارس در مجلس شورای ملی پیش آمد، به مجموعه سندهایی برخورد شد که کل کار را روشن کرد. نخست آن که در عریضه‌ای که از جانب غلامحسین خان قشقایی در تاریخ ۲۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۰ ش به مجلس ارسال شده بود وی چنین می‌نویسد:

«آقای اسماعیل خان صولت‌الدوله سردار عشایر، که خود را معرفی به وطن پرستی و نوع‌خواهی نموده و در این مدت بر مردم مشتبه نموده، اینک معاهده‌ئی که بالیوز انگلیس نموده و از اتفاقات حسنه به دست جان‌نثار افتاده عکس آن را در جوف تقدیم نموده [است].^۱» [نگ به پیوست شماره ۲]

نکته دیگر ماهیت «ژلاتینی» سند مزبور است، یعنی نوشته‌ای در حد شبنامه‌های متعارف آن دوره گرچه دست‌یابی به سومین نسخه از یک نامه که اینک ملاحظه می‌شود به صورت ژلاتینی تکثیر شده بود. خود می‌توانست مؤید فرضیه مجعول بودن نامه مزبور باشد.^۲ اما با به بدست آمدن یادداشت تکذیبیه صولت‌الدوله که در همان سال ۱۳۰۰ مطابق با محرم ۱۳۳۸ ق^۳ خطاب به ریاست مجلس شورای ملی نگاشته شد بود [بنگرید به پیوست شماره ۳] دیگر تردید چندانی در جعلی بودن آن باقی نمی‌گذارد.

که همزمان با اقدام مخالفین محلی صولت‌الدوله در ارسال نامه مزبور برای ریاست مجلس چند نسخه دیگر از این «نامه نیز به دیگر جراید ارسال شده بود، و روزنامه‌ی گلشن ضمن انتشار نامه مزبور انتقادات تندی را نسبت به صولت‌الدوله ابراز داشت. در همین چارچوب بود صولت‌الدوله در مقام پاسخگویی برآمده بود تکذیبیه مزبور را به ریاست مجلس ارسال داشت. البته جعل سند در این حیطه سابقه قدیمی داشت این که در جریان درگیری صولت‌الدوله با انگلیسی‌ها در دوران جنگ جهانی اول در یک اقدام مشابه، برخی از مخالفان با جعل خط و امضای صولت‌الدوله مبلغ بیست هزار تومان از بنگاه تجاری بهبهانی شیراز به عنوان مخارج اردوی وی گرفته و از سوی دیگر املاک وی را به مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان نزد شیخ خزعل (سردار اقدس) با قباله شرعی ساختگی به وثیقه گذاشتند [بنگرید به پیوست شماره ۳]

به منظور روشن شدن اینکه چرا چنین اقداماتی در آن دوران علیه صولت‌الدوله صورت گرفت، باید تحولات سیاسی کشور و به تبع آن فارس را مورد بررسی قرار داد. با قدرت‌یابی سیدضیاءالدین طباطبائی و رضاخان میرپنج در پی وقوع کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ ش، مصدق السلطنه حاکم فارس با تقدیم استعفای

۱. غلامحسین قشقایی به مجلس شورای ملی، ۱۳۰۰/۱۲/۲۷، آرشیو اسناد مجلس شورای ملی، م ۴ ک ۲۵ پ ۶۵.

۲. نامه منسوب صولت‌الدوله خطاب به بالیوز انگلیس در محمره، اول ذی‌قعدة ۲۶/۱۳۳۸ اسد ۱۲۹۹، همان.

۳. صولت‌الدوله به مجلس شورای ملی، ۵ حمل و فروردین، ۱۳۰۰، همان کارتن، پرونده ۲۱.

خود به احمدشاه، فارس را به قصد منطقه‌ی بختیاری ترک کرد.^۱ در نتیجه در هشتم فروردین ۱۳۰۰ شاهزاده حسنعلی میرزانشاه‌السلطنه عموی احمدشاه والی فارس شد.^۲ صولت‌الدوله که پس از وقایع جنگ جهانی اول و نبرد با انگلیسی‌ها در فارس به طور قابل توجهی قدرت سیاسی و ایلی خود را از دست داده بود، در زمان والی‌گری مصدق‌السلطنه توانسته بود تا حدودی وضعیت سیاسی خویش را بازسازی نماید.^۳ اما برکناری مصدق‌السلطنه از حکومت فارس و از آن مهمتر قدرت‌یابی سیدضیاء‌الدین طباطبائی که در زمان یک دوره از فعالیت‌های مطبوعاتی اولیه انتشار روزنامه ندای اسلام در فارس در دوران مشروطیت روابط چندان مناسبی با صولت‌الدوله نداشت، نگرانی صولت‌الدوله را برانگیخت. در کنار این اختلاف دیرینه، امتناع صولت‌الدوله از عدم ارسال پیام تبریک نخست‌وزیری برای سیدضیاء نیز مزید بر علت شد.

تشکیل ائتلاف سیاسی علیه صولت‌الدوله

نصرت‌السلطنه در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ وارد فارس شد و انتصاب ابراهیم‌خان قوام‌الملک رقیب سنتی قشقایی‌ها به پیشکاری وی^۴ خبر خوشایندی برای صولت‌الدوله نبود. لذا مدت چندان زیادی از والی‌گری نصرت‌السلطنه نگذشته بود که نخستین طرح مخالفان علیه صولت‌الدوله به مرحله اجرا درآمد. با به وجود آمدن اختلاف نظر بین قوام‌الملک در سمت پیشکار والی و صولت‌الدوله بر سر میزان و نحوه مالیات ایل قشقایی^۵، بهانه لازم به منظور عملی ساختن طرح مخالفان علیه صولت‌الدوله به دست آمد. از این رو در پاییز سال ۱۳۰۰ با دست‌آویز نمودن بهانه مزبور تلاش شد که تا در هنگام عزیمت ایل قشقایی از حوالی شیراز به سوی قشلاق، زمینه طرح حمله به صولت‌الدوله را از جانب نیروهایی متشکل از افراد بازمانده تشکیلات پلیس جنوب ایران فراهم سازند.^۶ [بنگرید به پیوست شماره ۵] غلامحسین قشقایی که در آن موقع هنوز به صف مخالفان محلی صولت‌الدوله نپیوسته بود، در عریضه‌ی دیگری که در تاریخ ۲ صفر ۱۳۴۰ در ارتباط با طرح مزبور که به مجلس شورای ملی تقدیم داشت، در توضیح این زдохورد چنین نوشت:

۱. محمد مصدق، تقریرات مصدق در زندان، (یادداشت شده توسط جلیل بزرگمهر)، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۹، ص ۶۵-۶۶.
۲. پروین دخت تدین، والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب (انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی) جلد ۱، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۴، ص ۴۸۱.
۳. محمد مصدق، خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۳.
۴. تدین، پیشین، ج ۱، ص ۴۸۱.
۵. نصیرالملک شیرازی به مجلس شورای ملی، ۱۶ جدی ۱۳۰۰، آرشیو مجلس شورای ملی، دوره ۴، کارتن ۲۵، پرونده ۴۸.
۶. نامه صولت‌الدوله به رئیس الوزراء و مجلس شورای ملی، ۱۵ میزان ۱۳۰۰، همان کارتن، پرونده ۲۱.

«طرفداران پلیس جنوب و متنفذین محلی در سایه تحریکات مغرضین یک دسته از منحلین مزبور را مسلح و برعبله سردار برانگیخته و مصممند که در این موقع که ایل از سرحد به گرمسیر عازم است، همان هنگامه گذشته را تجدید و خطه [ی] فارس را مرکز اغتشاشات نموده که شاید موفق شوند به بهانه لزوم امنیت طرق و شوارع و حفظ انتظامات و منافع تجارتی و هزاران کلمات دلفریب دیگر یک مؤسسه مضره دیگری را از قبل پلیس جنوب سبب گردند و یا بهانه دیگری را به دست همسایه داده موجبات بدبختی یک ایالت بزرگ و زحمت اولیای امور را فراهم سازند.»^۱ [نگ به پیوست شماره ۸]

اما با خویشتن‌داری صولت‌الدوله و ارسال عرایض متعدد به مرکز از جانب وی با فرامینی که از جانب مقامات دولتی و ریاست مجلس شورای ملی به نصرت‌السلطنه ارسال گردید از وقوع درگیری مزبور جلوگیری به عمل آمد^۲ و طرح مزبور مخالفان علیه صولت‌الدوله ناکام ماند. [نگ به پیوست‌های شماره ۷-۶]

هیئت متظلمین فارس

از آنجایی که مقامات حکومت مرکزی در راه تحقق نیات ائتلاف مخالفان علیه صولت‌الدوله که ظاهراً از جانب مستر چیک قونسول انگلیس در شیراز نیز حمایت می‌شدند [بنگرید به پیوست شماره ۳۵] موانعی پیش آورد، آنان درصدد طرح نقشه جدیدی برآمدند تا نظر مقامات حکومت مرکزی را نسبت به صولت‌الدوله مشوش نمایند.

عده‌ای از افراد نزدیک به قوام‌الملک از جمله رئیس‌العلماء، ضیاء‌الادباء، امام جمعه و حاج‌مجتهد به ایجاد تشکلی تحت عنوان هیئت متظلمین فارس سازماندهی شده، سپس آنان با حمایت مالی و سیاسی قوام‌الملک شروع به ارسال تلگراف‌های مبالغه‌آمیز در شکایت از صولت‌الدوله نمودند.

گفته می‌شود در یک مرحله هزینه تلگراف‌های ارسالی آنان بالغ بر یکصد تومان شد که در آن زمان مبلغ قابل توجهی بود^۳. در این تلگراف‌ها و نیز بیانیه‌هایی^۴ که از طرف هیئت متظلمین منتشر می‌شد پیوسته صولت‌الدوله به قتل و غارت و چپاول اموال اعضای هیئت و بستگان آنان متهم شده و از مقامات مرکزی درخواست می‌شد تا اقداماتی در جهت مجازات صولت‌الدوله صورت دهند.^۵ [نگ به پیوست شماره ۱۲]

اما از آنجایی که حمایت‌های مالی قوام‌الملک از هیئت مزبور، از نظر اصحاب مطبوعات دور نمانده، لذا با افشای ارتباط این جریان با قوام‌الملک به انتقاد از اعمال وی پرداختند. و قوام‌الملک مجبور شد در مقام

۱. غلامحسین‌خان قشقایی به مجلس شورای ملی، ۲ صفر ۱۳۱۳/۱۳۴۰ میزان ۱۳۰۰، همان پرونده.
۲. مجلس شورای ملی به صولت‌الدوله، ۲۲ میزان ۱۳۰۰ و مجلس شورای ملی به رئیس‌الوزراء، ۲۲ میزان ۱۳۰۰، همان پرونده.
۳. ناظم دفتر به صولت‌الدوله، ۲۶ شعبان ۱۳۴۰/۴ ثور ۱۳۰۱، مجموعه اسناد ملک‌منصورخان قشقایی.
۴. بیانیه هیئت متظلمین فارس علیه صولت‌الدوله، بدون تاریخ، آرشیو مجلس شورای ملی، دوره ۴، کارتن ۲۵، پرونده ۵.
۵. هیئت متظلمین فارس به هیئت وزرا و مجلس شورای ملی، ۲۸ حمل ۱۳۰۰، همان کارتن، پرونده ۸۳.

پاسخ برآمده و ضمن ارسال تلگرافی به مرکز هرگونه ارتباط خود با هیئت متظلمین را تکذیب نماید.^۱ [نگ به پیوست شماره ۱۳].

طغیان سالار حشمت علیه صولت‌الدوله

همزمان با وقایع مزبور، مخالفان، از جمله مسترچیک دسیسه دیگری را علیه صولت‌الدوله طراحی کردند. طرح مزبور فعال سازی علی‌خان سالار حشمت برادر ناتنی صولت‌الدوله علیه او در ایل قشقایی بود. تجربه جنگ جهانی اول و به ویژه نقش فعال سالار حشمت و دیگر برادرش سردار احتشام، در حمایت از حمله انگلیسی‌ها به صولت‌الدوله نشان داده بود که به کارگیری مجدد گزینه مزبور می‌تواند حربه‌ای کارا باشد.^۲ بنابراین سالار حشمت که سابقه همکاری با دشمنان صولت‌الدوله را داشت این بار نیز برای ایفای نقش مزبور با جمع‌آوری حدود سیصد تن از تفنگچیان از افراد متفرقه از طوایف مختلف ایل قشقایی، ساز مخالفت با صولت‌الدوله را به صدا در آورد. او با استقرار در منطقه بیضا واقع در غرب شیراز شایع ساخت که از طرف نصرت‌السلطنه - والی فارس - فرمانی مبنی بر ریاست بر ایل قشقایی دریافت کرده است. این در حالی بود که نصرت‌السلطنه علی‌رغم تکذیب صدور فرمان مزبور هیچ اقدام عملی مبنی بر جلوگیری از تحرکات سالار حشمت انجام نمی‌داد.^۳ [بنگرید به پیوست شماره ۱۳]. از دیگر سو سالار حشمت با ارسال تلگراف‌هایی که چندان با اطلاع نصرت‌السلطنه هم نبود، دست به اقدام تبلیغاتی علیه صولت‌الدوله زده و او را به غارت اموال وی و بستگانش متهم می‌کرد.^۴ [نگ به پیوست شماره ۱۰] در حالی که فرامین متعددی از طرف مقامات حکومت مرکزی جهت رفع اختلافات بین طرفین به نصرت‌السلطنه صادر می‌شد.^۵ [بنگرید به پیوست شماره ۱۴] لیکن وی با تأخیر و تعلل نه تنها اقدامی در این زمینه به عمل نیاورد، بلکه این فرصت را برای سالار حشمت فراهم ساخت تا مقدمات حمله‌ای غافلگیرانه نیز به نیروهای صولت‌الدوله را به اجرا در آورد. نصرت‌السلطنه از صولت‌الدوله خواسته بود که تا در بهار سال ۱۳۰۱ ش هنگام عبور ایل قشقایی از حوالی شیراز به مقصد بیلاق در نواحی شمالی فارس، برای انجام پاره‌ای مذاکرات در مورد مسائل پیش آمده به حوالی شیراز بیاید. صولت‌الدوله نیز برای دیدار مزبور اردوی خود را در دو فرسخی شیراز مستقر ساخت اما در مدت چهل روز اقامت وی در آن ناحیه هیچ اقدام صریحی از جانب نصرت‌السلطنه به منظور مذاکرات به عمل نیامد. تا اینکه بالاخره در روز پنجشنبه ۱۲ جوزا «خرداد» ۱۳۰۱ ش نصرت‌السلطنه صولت‌الدوله را به باغ امام جمعه که در دو کیلومتری شیراز بود دعوت کرد تا از طریق تلفن با وی مذاکره

۱. ناظم دفتر به صولت‌الدوله، پیشین.

۲. بنگرید به: ناصر ایرجی، ایل قشقایی در جنگ جهانی اول، تهران، شیرازه، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳-۱۰۶.

۳. ناظم دفتر به صولت‌الدوله، پیشین.

۴. سالار حشمت به مجلس شورای ملی، ۲۳ دلو ۱۳۰۰، آرشیو مجلس شورای ملی، دوره ۴، کارتن ۲۵، پرونده ۶۳.

۵. رئیس الوزراء به مجلس شورای ملی، ۹ ثور ۱۳۰۱، همان کارتن، پرونده ۸۳.

نماید. در همین زمان سالار حشمت که گویا در جریان غیبت صولت‌الدوله قرار گرفته بود، با تفنگچیان خود به طور غافلگیرانه اردوی او را مورد حمله قرار داد. در نتیجه با مقاومت افراد صولت‌الدوله و سپس مراجعت سریع شخص وی به صحنه درگیری سالار حشمت متواری شد.^۱ [بنگرید به پیوست شماره ۱۹] در حالی که نیروهای صولت‌الدوله قصد تعقیب وی را داشتند، نصرت‌السلطنه وارد عمل شده با اعزام عده‌ای از مأموران ایالتی به اردوی صولت‌الدوله، آنان را از ادامه درگیری منصرف ساخت.^۲ [بنگرید به پیوست شماره ۲۱] این در حالی بود که سالار حشمت طی تلگرافی که در ۱۲ جوزای ۱۳۰۱ ش به مجلس شورای ملی ارسال داشت در ارتباط با این حادثه اظهار داشت: که وی قصد داشته است «برای عرض تظلم حضوری» به خدمت والی شیراز برود اما در حوالی قره پیری واقع در سه فرسخی شیراز از طرف نیروهای صولت‌الدوله مورد حمله قرار گرفته و او در دفاع از خود برآمده و توانسته آنان را شکست دهد.^۳ [بنگرید به پیوست شماره ۱۵] البته در لحن گزارش نصرت‌السلطنه نیز بیشتر با ادعای سالار حشمت تأیید می‌شد.^۴

دریافت گزارش‌های متعدد از سوی طرفین درگیر، مقامات حکومت مرکزی را برآن داشت تا با ارسال فرامین جداگانه‌ای به صولت‌الدوله^۵ [بنگرید به پیوست شماره ۱۷] و سالار حشمت [بنگرید به پیوست ۱۸] از آنان خواسته شود تا ضمن خودداری از درگیری‌ها، در جهت اصلاح اختلافات فی‌مابین اقدام نمایند.^۶ در ضمن از نصرت‌السلطنه نیز خواسته شد، با اقدام جهت اصلاح اختلافات طرفین، اهتمام کافی «برای رفع غائله و حصول انتظام» از خود بروز دهد.^۷

اما ادامه اقامت سالار حشمت در حوالی شیراز و اقدامات افراد اردوی وی در ناامن ساختن منطقه، نشان از آن داشت که نصرت‌السلطنه چندان تمایلی به جلوگیری از اقدامات سالار حشمت را ندارد. از اینرو عده‌ای از علمای^۸ و اهالی شیراز^۹ با ارسال تلگراف‌های اعتراض‌آمیز به مرکز خواستار برخورد صریح با سالار حشمت گردیدند. [نگ به پیوست شماره ۲۳-۲۲]

با وجود کارشکنی‌های نصرت‌السلطنه و تبلیغات جناح مخالف صولت‌الدوله در فارس، در مرکز با آگاهی مقامات حکومتی از اقدامات سالار حشمت و تحریکات نصرت‌السلطنه، اوضاع به سود صولت‌الدوله رقم خورد.^{۱۰} [بنگرید به پیوست شماره ۲۳] رضاخان سردارسیپه که در آن دوران با صولت‌الدوله روابط دوستانه‌ای

۱. صولت‌الدوله به مجلس شورای ملی، ۱۵ جوزا ۱۳۰۱، همان کارتن پرونده ۹۳.
۲. نصرت‌السلطنه به مؤتمن‌الملک، ۱۶ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۳. سالار حشمت به مجلس شورای ملی، ۱۲ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۴. نصرت‌السلطنه به مؤتمن‌الملک، پیشین.
۵. مجلس شورای ملی به صولت‌الدوله، ۱۳ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۶. مجلس شورای ملی به سالار حشمت، ۱۳ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۷. مجلس شورای ملی به نصرت‌السلطنه، ۱۳ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۸. عده‌ای از علما شیراز به مجلس شورای ملی، ۱۷ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۹. هیئت مرکزی اتحاد اسلام به مجلس شورای ملی، ۱۷ جوزا ۱۳۰۱، همان پرونده.
۱۰. محمدعلی به صولت‌الدوله، ۳ اسد ۱۳۰۱، مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

برقرار کرده بود، در مقام وزارت جنگ با اعزام هیئت ویژه‌ای به فارس تلاش کرد که اختلافات طرفین را فیصله دهد. رضاخان در این ارتباط به صولت‌الدوله می‌نویسد:

«اشخاصی که طرف وثوق به من هستند امروز با تبلیغات کافی از مرکز حرکت، ولدی‌الورود به این قضایا کاملاً رسیدگی و در رفع آن اقدام می‌نمایند.» [نگ به پیوست شماره ۲۴]

علاوه بر این رضاخان سردارسیپه با ارسال فرامینی خطاب به نصرت‌السلطنه و امیرلشکر جنوب توصیه کرد که هرچه سریعتر جهت خاتمه بخشیدن با غائله مزبور وارد عمل شوند.^۲ [نگ به پیوست شماره ۲۷] نصرت‌السلطنه نیز مجبور گردید که از سالار حشمت و همراهان وی بخواهد دست از مخاصمه شسته و به مناطق خویش مراجعت کنند. بدین ترتیب در ۱۹ جوزا ۱۳۰۱ ش اردوی سالار حشمت و هم پیمانانش متفرق شد.^۳ [نگ به پیوست شماره ۲۵]

پس از خاتمه تحولات مزبور با تأکیدی که از سوی مقامات حکومت مرکزی به ویژه وزارت جنگ به نصرت‌السلطنه وارد گردید وی درصدد برآمد که به منظور پایان بخشیدن به اختلافات سیاسی پیش آمده در فارس با ایجاد مصالحه بین عناصر اصلی اختلافات یعنی صولت‌الدوله و قوام‌الملک طرفین را به انعقاد معاهده‌ای وادار سازد. [نگ به پیوست شماره ۳۴] به موجب این معاهده مقرر گردید که هیئت پنج نفره‌ای تحت نظر نصرت‌السلطنه تشکیل شود. اعضای هیئت مزبور متشکل از دو نماینده از جانب صولت‌الدوله و دو نماینده از سوی قوام‌الملک و معین‌التجار بوشهری به عنوان نماینده مرضی‌الطرفین بودند. هیئت مزبور که مأمور رسیدگی به اختلافات طرفین بود به منظور ضمانت اجرای این معاهده مقرر داشت که هر یک از طرفین یعنی صولت‌الدوله و قوام‌الملک مبلغ بیست و پنج هزار تومان به مدت ۵ سال در یک تجارتخانه مرضی‌الطرفین وثیقه بسپارند. علاوه بر این طرفین موظف شدند تا در امور ابواب جمعی یکدیگر یعنی ایلات خمسه و قشقای از مداخلات مستقیم و غیرمستقیم خودداری کنند. در صورت مداخله و تحریک یکی از طرفین در امور ابواب جمعی طرف دیگر، وثیقه تحریک کننده به نفع طرف دیگر ضبط شود.^۴ با اقدامات هیئت مزبور در رفع اختلافات طرفین و از آن مهمتر عزل نصرت‌السلطنه و جانشینی اکبرمیرزا صارم‌الدوله به جای وی واحود زیادی آرامش نسبی به فارس بازگشت.

۱. پیرابریلینگ، کوچ‌نشینان قشقای فارس، ترجمه فرهادطیبی پور، تهران، شیرازه، ۱۲۸۳، ص ۱۸۳.

۲. سردارسیپه به صولت‌الدوله، ۱۸ جوزا ۱۳۰۱، مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقای.

۳. معین‌التجار بوشهری به صولت‌الدوله، ۹ ژوئن ۱۹/۱۹۲۲ جوزا ۱۳۰۱، همان.

۴. سالار حشمت به مجلس شورای ملی، ۱۸ جوزا ۱۳۰۱ و عده‌ای از کلاتران قشقای به مجلس شورای ملی، ۱۸ جوزا ۱۳۰۱، آرشیو مجلس شورای ملی، دوره ۴، کارتن ۲۵ پرونده ۹۳.

۵. پیش‌نویس قرارداد صولت‌الدوله و قوام‌الملک، بدون تاریخ، مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقای.

فرجام سخن

با بررسی تحولات سیاسی فارس در دوران حکومت نصرت‌السلطنه و سلسله اقداماتی که علیه صولت‌الدوله روی داد و مقایسه آن با رویدادهایی از این دست در دوران مشروطیت و جنگ جهانی اول، ملاحظه می‌کنیم که همانند دوره قبل که یک بار دیگر ائتلاف اعلام نشده‌ای برای حذف صولت‌الدوله از صحنه سیاسی فارس صورت گرفت. در این ائتلاف که طیف گسترده‌ای از قدرتهای متنفذ محلی از جمله نصرت‌السلطنه حاکم، عناصر رقیب سنتی شهری - قوام‌الملک و هم‌فکران وی، عناصر رقیب ایلی - سالار حشمت و عده‌ای از کلانتران قشقایی و عناصر خارجی - مسترچیک قونسول انگلیس در شیراز و سایر مأموران آن دولت، نقش فعالی داشتند.

در این میان آنچه قابل توجه و برجسته است علاوه بر طرح‌های سیاسی و نظامی که علیه صولت‌الدوله صورت گرفت بهره‌گیری از حربه تبلیغات گسترده مطبوعاتی بود که در این راه حتی به جعل سند هم تمسک شد. اگرچه با اقدامات به‌جا و به موقع صولت‌الدوله در توضیح و افشای این عمل و برقراری ارتباط با عناصر متنفذ حکومت مرکزی و دخالت آنان در حل مناقشه پیش آمده این موضوع در همان دوره فیصله یافت، ولی اهمال و بی‌دقتی پاره‌ای از تاریخ نگاران بعدی از جمله آقایان سیف‌الله وحیدنیا و موسی مطهری‌زاده در استناد به اسنادی که دلایل کافی و واضح بر بی‌اساس بودنش نیز در دست بود، مباحثی از آن دست امتداد داده، و در بررسی‌های تاریخی نیز جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص دادند.

سند شماره ۱

[نامه منسوب به صولت‌الدوله قشقایی خطاب به بالیوز انگلیس در محرمه اول ذی‌قعدة

۱۳۲۸ م ۴ ک ۲۵ پ ۶۵]

غره‌ذی‌قعدة الحرام ۱۳۳۸

خدمت ذی شوکت جناب مستطاب اجل عالی آقای بالیوز صاحب دامت شوکته.

فرزندی محمدناصر که از خدمت مراجعت نمود شرحی مبنی بر تأمینات شفاهی و مراتب محبت کامله حضرت عالی شرح داد. واجب دانست این عریضه را که آخرین معاهده به مهر و امضای بنده در خدمت نماینده دولت فخریه است به سندیت تقدیم دارم زیرا که قبلاً مراسلات سربسته بود و اینک بی‌پرده است. از سابق، شروع به عرض می‌نمایم لدی‌الورود جناب کرنل [کلنل] گاف تشریف آوردند نزد بنده و در تحت موادی چند با ایشان معاهده نموده که اولاً نظم راه بوشهر و نفوذ تجارت دولت فخریه بود. چند ماهی که توسط مشیرالسادات و حاجی میرزا محمدعلی تاجران فیروزآبادی شهریه مستحطین مرحمت می‌شد راه را منظم نگاه داشته بودم.

ثانیاً: خراج ناصر دیوان از کازرون بود که به اغوای ملتیان مانع دخول قوای دولت فخریه می‌شد. در این

۱. مجلس دوره چهارم، کارتن ۲۵، پرونده ۶۵ (م ۴ ک ۲۵ پ ۶۵).

امر نیز امتحان تمکین خود را داده و سایر مواد سری و معاهده به دست با قدرت ایلی انجام پذیرفت. ثالثاً: چهل هزار تومان که بابت مخارج اخراج ناصر دیوان قرار بود دیناری نرسید، افسوس که طمع فرمانفرما و خیالات عوامانه فریب او که می‌خواست ملتی هم باشد نگذاشت. این بود که خود فرمانفرما به دشت ارژنه آمد به هر حقه‌بازی بود معاهده را ملغی کرد لیکن بنده به عهد و پیمان خود باقی بودم و به آن وسایل‌هایی که می‌دانید قشون دولت فخریه وارد کازرون شد و ناصر دیوان متواری گردید. رابعاً: سرقت الاغهای هیزم‌کش اردوکسان ایاز کیخاخبط از طرف قشون اسپیار [پلیس جنوب] بود که رجوع به بنده نشد و اقدامات بی‌رویه به عمل آمد. ناچار اشرار کازرونی و دره شولی [دره شوری] به طرف شیراز حمله آورده بنده را مجبور نمودند حوالی شیراز آمدن ظاهراً به اسم حفظ ایلیت و ناموس آنها و باطناً برای اصلاح، چه دلیلی بالاتر از این است که از طرف قشقایی و اتباع بنده را یک تیر تفنگ به روی قشون هندی خالی نشد و جنگ از طرف ناصر دیوان و اتباع او بود البته سه کاغذ به خط ناصر دیوان که برائت ذمه بنده را ثابت می‌کند ضبط دارم که اجازه حمله به قونسولخانه و مرکز قشون هندی خواسته ندادم حتی به علما خاصه شیخ مرتضی که رئیس ملتیان بود کاغذ نوشت که اجازه آخرین یورش هم ندادم و با حضور نماینده جنرال سایکس حاضر شدم جنگ را خاتمه دهم، فرمانفرما نگذاشت. چندین سندش موجود است که بنده را تشویق به ایستادگی در جنگ نمود ولی بنده ننگ و نکبت شکست و هزیمت را بر خود هموار نموده که امروز شرمنده، نباشم و عهدشکن در حضور نماینده دولت فخریه قلم نروم. در هر حال گذشته گذشت. باقی عمر ایستادام به فراست حالا به موجب این عهدنامه در برابر تأمیناتی که به فرزندی محمدناصر داده‌اید به شرف ایلیت قسم می‌خورم و حاضر ظاهراً و باطناً هرگونه خدمتی رجوع فرمائید بدون توقع دیناری انجام دهم و خود و بستگانم را از اتباع دولت فخریه دانسته و به امثال حضرت عالی هم قطار باشم. لیکن می‌دانید بدون ریاست ایلی که از جمله تأمینات شفاهی بوده نمی‌توان از عهده خدمتی برآمد البته خاطر مبارک مستحضر فرزندی محمدناصر را برای زیارت حضرت عالی و ابلاغ پیغامات شفاهی همراه فرمانفرما فرستادم که با حضور حضرت اشرف آقای سردار اقدس^۱ دامت شوکت که از پانزده سال قبل حنیف بنده است و مکنونات ضمیرم را می‌داند با نماینده دولت فخریه در محمره نیز مذاکره نمایند والا چه خوشدلی از فرمانفرما داشتم و چون گمان دارم از مکنونات ضمیرم فرو گذاشت نکرده باشم این عهدنامه را تقدیم احترامات فایقه حضور مبارک خاتمه می‌دهم [محل مهر اسماعیل].

۱. شیخ خزعل.

سند شماره ۲

[غلامحسین خان قشقایی به مجلس شورای ملی، ۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۰]^۱

۱۳۰۰/۱۲/۷

آستان مقدس مجلس شورای ملی شهیدالله ارکانه

معروض می‌دارد که کمترین جان‌نثار از جمله افراد قشقایی هستیم و سالهاست آرزومند ترقی و تعالی ایل خود بوده مایل بودم که قشقایی هم مانند ایل جلیل‌بختیاری نزد تمام ایران سربلند و دارای همه چیز و حیثیات باشد. متأسفانه اسباب مایوسی را فراهم می‌بینم؛ زیرا که هر طایفه و ایلی در زیر سایه خان و بزرگتر و کلانتر خود باید ترقی نماید. آقای اسماعیل‌خان صولت‌الدوله سردار عشایر که خود را معرفی به وطن‌پرستی و نوع‌خواهی نموده و در این مدت بر مردم مشتبه نمود. اینک معاهده‌ای که با بالیوز انگلیس نموده و از اتفاقات حسنه به دست جان‌نثار افتاده عکس آن را در جوف تقدیم نموده تا معلوم شود از برای پرکردن کیسه و جیب خود از هر خیانتی مضایقه ندارد و پرده از روی کار برداشته شود که بعد از این اهالی فریب وطن‌پرستی دورویی این اشخاص را نخورده باشند تا چه کند همت وطن‌پرستان حقیقی باقی امر مبارک است. فدوی غلامحسین قشقایی

[حاشیه] به مقام ریاست وزراء عظام مراجعه شود. ۱۱ حوت ۱۳۰۰.



سند شماره ۳

[صولت‌الدوله به رئیس الوزراء، وزیر جنگ و مجلس شورای ملی، ۵ حمل ۱۳۰۱] اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از شیراز به طهران، نمره قبض ۳۴۸، نمره تلگراف ۱۳۰، عدد کلمات ۷۳۰، تاریخ اصل ۵، تاریخ وصول شب ۶ حمل.

مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکت و کبیله^۲ حضرت اشرف آقای وزیر جنگ دامت شوکت و کبیله مجلس مقدس شورای ملی، کبیله جراید مبارکه، ایران، کبیله حلاج، کبیله وطن، کبیله ستاره ایران، کبیله ایران آزاد، کبیله طوفان، کبیله جارچی ملت، کبیله اتحاد دامت تأییداتهم.

تصور نمی‌کردم که بعد از همه خدمت و قربانی دادن هفتاد نفر جوانان عزیز در راه وطن و تحمل دو خسارت از خرابی املاک و خرابی طایفه و قبیله، مغرضین معلوم‌الحال شیراز که عده آنها محدود و معدود است نظر به انتفاعی که از دیگران برده‌اند نخواهد توانست محصول [؟] خادمان صمیمی دولت و ملت را به عقیده خود لکه‌دار نمایند و بدین وسیله نظریات اجانب را به خود معطوف دارند. مرکزبان با احساساتی که دارند اگر از نگارشات مغرضانه شیرازیان جلوگیری نکنند تأیید نمایند مکتوب مصنوعی از طرف بنده نگاشته و عکس آن را برداشته و بوسیله پست در نقطه ارسال داشته‌اند. البته آقایان طهران خاصه مدیران جراید ملاحظه فرموده‌اند. با اینکه هر کس خوانده و دیده است، خواه بصیرت عادات و اعمال [؟] بنده داشته یا نداشته بر نگارنده آن مشروحه خنده و طعنه زده است ولی متأسفانه مدیر جریده فریده گلشن با آن سابقه که به حال بنده دارد تنقیداتی کرده و بنده را مورد تهدید قرار داده است. گویا بر هر بی‌وجدانی مقرر نیست که اگر فطرت بنده بعض اقتضاها را داشت چهار سال در فارس با اجانب منازعه و مرافعه نداشتم و اگر نظر به عدم قدردانی ملت ندامتی حاصل کرده بودم و مانند دیگران می‌خواستم در طرف جنوب ایران اتصال و اتکال پیدا کنم همان اوقاتی که مبلغ‌ها به توسط اشخاص معین میدادند گرفته بودم و مستقیماً به توسط وزیر و یا سفیر عهد اتحاد بسته بودم لازم نبود که با نماینده بندری آنها به این خفت و ذلت مکاتبه و معاهده نمایم. اگر هموطنان به وجود خادمان صمیمی دولت و ملت اهمیت نمی‌دهند گمان می‌رود دیگران وجود آنها را مهم دانسته اگر چنانچه چنین معاهده شود خیلی مغتنم شمرده بگذارند به دست دیگران افتاده باشد. چنانچه جنرال سایکس رئیس قشون جنوب در مخارج بین‌النهرین و جنوب ایران در جریده تیمس [تایمز] در جواب اعتراضات پارلمان بریتانیا عذری که به جهت اخراجات^۳ و تلفات خود آورده می‌گوید مادر جنوب ایران دشمنی مثل اسمعیل قشقایی داشتیم و ناچار از این اقدامات بودیم. تا همین اندازه تشکر دارم که باز به هر عنوان بود تاکنون یکی از افراد وطن‌خواه محسوب شده‌ام که وسیله خرابی و لکه‌داری بنده را به نگارشات جعلی با اجانب دانسته‌اند. همین اشخاص که این مکتوب جعلی را نگاشته‌اند هنگامی

۱. ۴م ۲۵ک ۲۱پ

۲. رونوشت.

۳. خرج‌ها و هزینه‌ها.

که توپهای آتشین در مقابل و جهازات جنگی در سه فرسخی و طیاره‌ها بالای سرم احاطه داشت مکتوبی شبیه به خط و امضاء بنده ترتیبی داده بیست‌هزار تومان از اداره بهبهانی شیراز به عنوان مخارج اردوی بنده گرفته از آن طرف یکصد و پنجاه هزار تومان املاک بنده را به وسیله قباله شرعی مصنوعی نزد آقای سردار اقدس وثیقه گذاشته همه نوع حق مردانگی و وطن‌خواهی را به جای آوردند اکنون هم به نگارشات جعلی و تشکیل مظلومین مصنوعی پرداخته هر روز به وسیله بعضی جراید معلوم‌الحال شیراز توهین می‌نمایند نظر به رعایت نظم و حفظ انتظام مملکت تاکنون به سکوت پرداخته ولی متأسفانه سکوت بنده کلاه و لباس بنده را هم مقصر نمود. مدیر روشن ضمیر گلشن به ملبوسات وطنی بنده و قبیله بنده انتقاداتی وارد نموده و حال آنکه سزوار بود که این وطن‌خواهان دانشمند هر طایفه که لباس گشاد وطن خود را به فکل و کراوات تنگ دیگران تبدیل و تقلید نمودند به وسیله مقالات و نگارشات اخلاقی تشویق نموده تن آدمی را شریف به جان آدمیت دانسته لباس رعایه [؟] را نشان آدمیت قرار ندهند. بنده و طایفه بنده که کهن جامه خویش پیراستن و در بادیه زیستن را افتخار دانسته و جان‌فشانی در راه ملت و دولت را برخفتن و سایه راحت رجحان داده‌ایم و تنقیداتی که به وسیله جراید و غیره می‌شود می‌ذول فرمایند که خدمت، خادمان صمیمی ضایع و باطل نشده لااقل رعایت نزاکت منظور شده باشد اسمعیل قشقایی.

[محل مهر تلگرافخانه تهران]

[حاشیه] فوری، عرایض ۱۳۰۱/۱/۷، در اطاق تنفس گذاشته شود، ۱۳ حمل ۱۳۰۱ [محل امضاء]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۴

[مستوفی‌الممالک به صولت‌الدوله، ۹ حمل ۱۳۰۰]^۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمر کتاب ۱ جواب، از طهران به شیراز، نمره قبض ۳۰۴۸، نمره تلگراف ۱۳۰، عدد کلمات ۱۳۰، تاریخ اصل ۹، تاریخ وصول شب ۱۱ حمل، اسم گیرنده اسمعیل.

جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر زیداقباله

تلگراف مفصلی که در شکایت از مندرجات جریده گلشن مخابره نموده بودید واصل، و از مراتب اطلاع حاصل گردید. خدمات و زحمات جنابعالی مکتوم و پوشیده نیست و همیشه مورد قدردانی اولیای دولت بود. البته این‌گونه انتشارات اثری مترتب نمی‌شود. به مدیر جریده گلشن هم بطوری که لازم بود تذکر داده شد. ۹ حمل نمره ۲۷۱ حسن ریاست وزراء [محل مهر تلگرافخانه شیراز]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

سند شماره ۵

[صولت‌الدوله به رئیس وزراء و مجلس شورای ملی ۱۵ میزان / مهر ۱۳۰۰]^۱
دایره تلگرافی دولت علیه ایران، از آباده به طهران، نمره کتاب ۴۵، نمره قبض ۱۳۴۲،
نمره تلگراف ۱۰، عدد کلمات ۱۲۲، تاریخ اصل ۱۵، تاریخ وصول ۱۸ میزان.
توسط جناب اجل آقای معین‌التجار مقام حضرت ریاست وزراء دامت شوکتہ کبیه
مجلس مقدس شیدالله ارکانه.

نظر به انقیاد به دولت و دارالشورای کبری مغرضین درصدد هستند ورود فدوی نزدیکی شیراز بهانه‌جوئی
نموده اسپیار را با دسایس تهیه شده با فدوی طرف اسباب انقلاب فراهم فدوی را بدنام نمایند. مستدعی
است به ایالت جلیله فارس مقرر فرمایند جلوگیری فرمایند تا ایل به طور منظم عبور داده روانه قشلاقات
شود والا خاطر اولیای دولت و اعضاء مجلس مقدس مستحضر باشد دفاع بر همه کس لازم و ناممکن است
بهانه به دست اجانب نخواهد داد چون خیلی زود به نزدیکی شیراز می‌رسد استدعای جواب عاجل و کسب
تکلیف را دارد سیم صفر اسمعیل قشقایی
[محل مهر تلگرافخانه]



۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

سندشماره ۶

[مجلس شورای ملی به صولت‌الدوله، ۲۲ میزان ۱۳۰۰]
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۱۶۹۱، بتاریخ ۲۲ برج میزان ۱۳۰۰ شهر
صفرا المظفر ۱۳۴۰. عنوان پاکت شهرآباد، خطاب به صولت‌الدوله - تلگرافخانه.
جناب مستطاب اجل آقای صولت‌الدوله دام اقباله

تلگراف جنابعالی واصل و به دولت مراجعه شده و به کلی اطمینان می‌دهند که به هیچ‌وجه این تصورات
فعلیت نخواهد یافت و معهدا برای تحکیم اطمینان تعلیمات اکیده لازم به ایالت فارس مخابره می‌شود و با
قدردانی از حسن نیت و اعتمادی که به رویه مدیرانه جناب عالی بوده و هست و امید است پیش‌آمد خلاف
انتظاری ایجاد نشود. رئیس مجلس شورای ملی
[محل امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سندشماره ۷

[مجلس شورای ملی به رئیس الوزراء، ۲۲ میزان ۱۳۰۰/۲۳ صفر ۱۳۴۰] ۱.
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۱۷۵۴، نمره‌های قبل ۱۶۹۱، بتاریخ ۲۲ میزان
۱۳۰۰، شاهر صفر ۱۳۴۰ ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکتهم.
برای سهولت مراجعه سواد تلگراف آقای صولت‌الدوله را لفاً تقدیم داشته و متمنی است قدغن فرمایند
شرح مذاکرات شفاهی تلگرافات مؤکده در ممانعت از پیش‌آمدهای ممکن الوقع به ایالت فارس صادر و
نتیجه را به مجلس شورای ملی نیز اطلاع دهند. رئیس مجلس شورای ملی. مؤتمن‌الملک [محل امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۸

[غلامحسین خان قشقایی به مجلس شورای ملی، ۱۰ صفر ۱۳۴۰ / ۹ میزان ۱۳۴۰]

دهم شهر صفر المظفر ۱۳۴۰

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی شهیدالله ارکانه

البته برعموم نمایندگان محترم خاصه حضرت ریاست مجلس مقدس و آقایان نمایندگانی که از بدو مشروطیت به غمخواری ایران معروف هستند پوشیده نیست که آقای سردار عشایر رئیس بالاستحقاق ایل جلیل قشقایی در فداکاری و بروز احساسات ایرانییت و شناسایی مرکز مملکت تا چه اندازه صمیمی و مطیع محض بوده و خواهند بود و البته خاطر محترم آقایان نمایندگان کاملاً مطلع است که از بدو برقراری پلیس جنوب در صفحه فارس مخابراتی از طرف دولت و اثر به رسمیت نشناختن قوای مزبور به اهالی مخابره و کسی که این مؤسسه مضره را به رسمیت نشناخت فقط و فقط آقای سردار عشایر یعنی یک نفر سردار فداکار ایران شناس بود و بس به همین سبب طرفداران برقراری پلیس جنوب هر روزه به شکلی موجبات زحمت و گرفتاری و تولید بی‌نظمی و اغتشاش و تحریکات سرّی و علنی خود را در حوزه ابوابجمعی سردار عشایر ادامه داده و هر قدر خواستند خاطر اولیای امور مرکزی را نسبت به سردار مشوب سازند موفق نشده و بالاخره باز به تحریک متنفذین محلی یک دسته پلیس جنوب را بر علیه سردار سوق داده و موجب ائتلاف نفوس کثیره و تفرقه ایل و نفوذ اجانب شده و باز سردار عشایر این ننگ را (یعنی فرود آوردن سر به اجنبی و اغراض خارجی) تن نداده و تا امروزه احساسات ایرانییت را کدر نخواست است.

متنفذین محلی و طرفداران این مؤسسه پس از یأس کامل از جلب سردار عشایر به اطاعت نفوذ خارجی وسایل دیگری را ایجاد و آقای سردار احتشام را تحریک و به تقویت قوای پلیس جنوب بر علیه سردار عشایر اقدام و جنگ خانگی را شروع و از این تحریکات نیز به جلب سردار موفق نشده و از سرپرستی موقت سردار احتشام نیز نتیجه که حاصل نمودند پراکندگی ایل و از میان رفتن مالیات و تولید هرج و مرج و اغتشاش طرق و شوارع بود تا آنکه آقای مصدق السلطنه باکمال بی‌طرفی و فقط از نقطه نظر منافع مملکت و شناسایی موقع و مقام ایل قشقایی را کماکان به دست وطن خواهی و اقتدار سردار عشایر محول و آقای محمدناصرخان فرزند آقای سردار عشایر را چنانچه در جرائد محلی و راپورت‌های دولتی مطالعه فرموده‌اید به ریاست ایل منصوب خوشبختانه اغتشاشات مرتفع و مغایرت‌های گوناگون که تمام به تحریک متنفذین محلی و طرفداران نفوذ خارجی ایجاد شده بود محو و آقای سردار عشایر مشغول جمع‌آوری تفرقه ایل و وصول مالیات و انتظامات گردیدند.

مطابق اطلاعات واصله که البته از نظر مبارک هیئت رئیسه شورای ملی نیز گذشته است. طرفداران پلیس جنوب و متنفذین محلی در سایه تحریکات مغرضین یک دسته از منحلین^۲ قوای مزبور را مسلح و

۱. م. ۴، ک. ۲۵، پ. ۲۱.

۲. بازماندگان.

برعلیه سردار برانگیخته و مصممند که در این موقع که ایل از سرحد به گرمسیر عازم است، همان هنگامه گذشته را تجدید و خطه فارس را مرکز اغتشاشات نموده که شاید موفق شدند به بهانه لزوم امنیت طرق و شوارع و حفظ انتظامات و منافع تجارتي و هزاران کلمات دلفریب دیگر یک مؤسسه مضره دیگری را از قبیل پلیس جنوب سبب گردند و یا بهانه دیگری را به دست همسایه داده موجبات بدبختی یک ایالت بزرگ و زحمت اولیای امور را فراهم سازند. این بنده که یکی از افراد ایل قشقایی و علاقه‌مند به آسایش عمومی و حیثیات ایرانیت است به نام تذکر و پیش‌بینی و جلوگیری از سوء اتفاقات متصوره به عرض این مختصر خاطر نمایندگان محترم را مطلع و متوجه بدین نکته می‌دارد که با وجود اقتداری که برای آقای سردار عشایر موجود است و کاملاً از هر پیش‌آمدی می‌توانند دفاع فرمایند. البته ایرانیت و اطاعت ایشان از اولیای امور مرکزی اجازه نخواهد داد که در یک چنین موقع باریکی حیات مملکت بسته به یک مویی است و هیئت دولت حاضره لزوم انتظامات را اولین پیشنهاد خود در نخستین جلسه مجلس شورای ملی تقدیم و تأکید می‌فرمایند بی‌هیچ موجبی به دسایس متنفذین و اجنبی‌پرستان انتظامات فارس را تبدیل به هرج و مرج و اغتشاش نمایند. مسلم است به نحوی که رأی مبارک اقتضا فرماید هیئت دولت را متذکر و موجبات امیدواری آقای سردار عشایر را فراهم خواهند فرمود. غلامحسین قشقایی

[حاشیه] مربوط به تلگراف وارده نمره ۱۶۹۱ است، مثل تلگراف صولت‌الدوله جواب نوشته شود.

۱۳۰۰/۷/۲۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۹

[مجلس شورای ملی به غلامحسین خان قشقایی، ۲۷ میزان ۱۳۰۰،^۱
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۱۷۲۳، نمره‌های قبل ۱۷۰۴۵، بتاریخ ۲۷ برج
میزان ۱۳۰۰، ۱۸ شهر صفرالمظفر ۱۳۴۰، عنوان پاکت شهر طهران، محل منزل جناب
مستطاب آقای حاج معین‌التجار بوشهری]
جناب آقای غلامحسین خان قشقایی

مراسله مورخه دهم شهر صفر جناب عالی در موضوع قضایای ممکن الوقوع شیراز و حسن سابقه جناب
آقای سردار عشایر واصل و مجلس شورای ملی نیز با مراتب مشروحه موافق است و از همین نقطه نظر شرح
لازم به ریاست وزراء نوشته شده که احکام اکیده در ممانعت از پیش‌آمدهای غیرمترقبه ایالت فارس صادر
نمایند و به خود جناب آقای سردار عشایر هم جواباً تلگراف لازم مخابره شد. رئیس مجلس شورای ملی
[محل امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۰

[سالار حشمت قشقایی به مجلس شورای ملی، ۲۳ دلو ۱۳۰۰،
اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۴۷، از شیراز به ط، نمره قبض ۲۱۹۸،
نمره تلگراف ۳۶۰۲، عدد کلمات ۳۰۷، تاریخ اصل ۲۳.]

توسط جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای محقق‌العلماء زیده مجده، ساحت مقدس دارالشورای کبرای
ملی شیدالله ارکانه، کپیبه حضرت آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکنه، کپیبه ایران، کپیبه اتحاد، کپیبه بهارستان،
کپیبه میهن.

در این موقع که کعبه آمال ایرانیان مفتوح [و] هر کس می‌تواند تظلمات خود را آزادانه اظهار کند این
چاکر دولت و ملت از دست تعدیات سردار عشایر دادخواهی دارم. علاوه بر تعدی که چندین سال به این
طرف سردار مزبور به املاک و علاقه‌جات عمومی نموده و می‌نماید که به خوبی اولیای امورمالیه اطلاع
دارند غالب املاک اهالی فارس که در [مسیر] عبور ایشان واقع است کلاً از خیرآبادی ساقط مسلوب‌المنفعه
گردیده.

به علاوه مالیات قشقایی را نصفه به دولت نمی‌دهد. با اینکه هستی برای قشقایی نگذاشته و امروز
چندین هزار قشقایی پناهنده چاکر گردیده‌اند که از دست ظلم و تعدی ایشان امکان رفتن به گرمسیرات
نکرده [ندارند] همه عربان، گرسنه پریشان، از خودم مخارج و آذوقه می‌دهم. به علاوه تمام هستی و دارایی
چاکر و بستگانم را از زمان ریاست‌شان ضبط کرده با اینکه با استعداد حاضره امکان مجادله با ایشان دارم
ولی نظر به اطاعت امر دولت و ملت که مرا مبادا یاغی قلم بدهند اظهار دادخواهی و رسیدگی از امنای
امور می‌نمایم استدعای چاکر و سایر بستگان این است که رسیدگی به این شکایات و تظلمات نموده دست
تعدی او را از علاقه‌جات شخصی و موروثی و اهالی کوتاهی فرماید و با این استعداد حاضره همه‌گونه برای
خدمتگذاری حاضر هستم که چنانچه دولت دست تعدی او را کوتاه نماید می‌توانم ملتزم شوم که همراهی
به ملاکین خط قشقایی نمایم که عنقریب املاک‌شان آباد شود بتوانند مالیات دولت را بدهند به علاوه در
خط قشقایی دیناری سرفت نشود هرگاه رسیدگی به عرایض نشود جلوگیری از یک مشت غارتزده پریشان
امکان ندارم خلاف انتظاری پیش آید چاکر را مسئول قرار ندهند. علی‌قشقایی

[محل مهر تلگرافخانه تهران]

[حاشیه] به مقام ریاست وزراء عظام فرستاده شود و توجه آنها را به اصلاح حال ایل قشقایی متوجه
نمایند. آسایش اهالی و ملاکین فارس را بخواهند به عارض هم جواب محبت اثر مخابره شود ۲۶ دلو
۱۳۰۰.

سند شماره ۱۱

[مجلس شورای ملی به صولت‌الدوله، ۱۶ حمل ۱۳۰۱]^۱
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۵۹۹۷، تاریخ ارسال ۱۶ برج حمل ۱۳۰۱،
عنوان کاغذ شیراز جواب تلگراف نمره ۱۳۰ قبض نمره ۳۴۸ مقصد و عنوان پاکت
تلگرافخانه.

جناب مستطاب اجل آقای صولت‌الدوله سردار عشایر دام‌اجالاله

تلگراف تکدرآمیز جنابعالی واصل خدمات نوعیه و احساسات وطن‌خواهانه جنابعالی همواره قابل تقدیر و
منظور نظر اولیای امور بوده مراتب خدمتگذاری و فداکاری که همیشه در طریق سلامت و استقلال مملکت
ابراز داشته‌اید، در نظر بوده است اگر از روی بی‌اطلاعی یا سوءتفاهم پاره اظهارات شده باشد نظر به قوت
نفس و حس علاقه‌مندی به مملکت دارید [...]»^۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. م. ۴ ک. ۲۵ پ. ۲۱.

۲. دو کلمه ناخوانا.

سند شماره ۱۲

[هیئت متظلمین فارس به رئیس الوزراء و مجلس شورای ملی، ۲۷ حمل ۱۳۰۱]^۱
اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۶۵، از شیراز به طهران، نمره قبض
۱۶۴۲، نمره تلگراف ۴۱۹، عدد کلمات ۴۶۹، تاریخ اصل ۲۷، تاریخ وصول شب ۲۸
حمل سنه ۱۳۰۱.

توسط آقای معدل الممالک شیرازی، مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته،
کیبه توسط نمایندگان محترم فارس، ساحت مقدس دارالشورای کبری شیدالله ارکانه،
کیبه حضرت مستطاب حجت‌الاسلام آقای مدرس دامت برکاته، کیبه ایران، کیبه ستاره
ایران، کیبه حقیقت، کیبه ایران آزاد، کیبه بهارستان.

اقدام هیئت متظلمین و غارت‌زدگان مکرر تظلمات خود را از آقای سردار‌عشایر و بستگان ایشان به
وسیله تلگراف اظهار تانکون بلا جواب و نتیجه مانده [....]^۲ که باز ایالات قشقای در حرکت و باقی‌مانده
اموال و آبادی علاقه‌جات مورد یغما و تاراج آنها خواهد بود و قبل از مراجعه و تظلم به طهران توسط آقایان
حجج‌الاسلام و ایالت جلیله به خود آقای سردار‌عشایر استرجام شد که رفع ظلم را بنماید و تا این اندازه
راضی شدیم که مرتکبین را به شهر اعزام دارند در عدلیه یا محضر ایالتی رسیدگی شود در صورتی که
سزاوار نبود اشرار و قاطعان طریق ارجاع به عدلیه شوند محض به ثبوت مدعا و اتمام حجت این تقاضای
ایشان هم مطلقاً وقعی به این اظهارات نگذارده که سهل است در جراید مرکزی اخیراً دیده شد که به
وسیله تلگرافات و خودستایی به فداکاری و خدمتگذاری برای القاء شبهه مطالب را طور دیگر جلوه داده
یا کارکنان مشارالیه هیئت متظلمین را متهم به [....]^۳ و پول قوام‌الملک نموده‌اند چگونه این اظهارات را
نمایند در صورتی که آقای سردار‌عشایر نظر به مالک رقابی سابقه باور نداشتند، کسی باشد که قدرت بر
تظلم و شکایت نماید و باید در تمام اوقات مالک و مختار بر همه چیز مردم بود حالا که تظلم می‌شود
باید آنها را بدنام نمود. آیا بر حضرت اشرف لازم و واجب نیست که تحقیق و غرورسی به اظهارات طرفین
فرموده خدمات و فداکاری چندین ساله را معلوم فرمایند که چه بوده و این ثروت مافوق از حساب را از
کجا اندوخته‌اند جز ندادن مالیات تصرف علاقه مردم و عایدات آنها و البته بعد از این هم ضرورت دارد
که بر شدت اعمال سابقه خود افزوده زیرا که مشاهده می‌نمایند در ظرف پنج ماه متوالی بیچاره متظلمین
غارت‌زده با این همه فریادها چه کرد زود از طرف دولت چه مؤاخذه و مسئولیتی در کار آمد که بعد از این
آید بر آن مملکت زار باید گریست که فریادرس کس نداند که کیست.

در خاتمه استدعا داریم که عطف توجه مخصوص به مال ما بیچارگان فرموده امر و مقرر فرمایند یک نفر

۱. م. ۴، ک. ۲۵، پ. ۸۳.

۲.

۳.

امین دولت در فارس تظلمات را توضیح و تحقیق فرموده بعد از ثبوت مدعا برآنچه مقتضی بر سزاوار است معمول فرمایند زیرا که بعد از این شکایات اگر احقاق حق شود تمام هستی ماها متظلمین در مخاطره و چپاول ایلات خود سر قشقای خواهد بود و ناچاریم [در] تلگرافخانه [متحصن شویم استدعای بذل مرحمت فوری داریم، هیئت متظلمین فارس]. [محل مهر تلگرافخانه تهران]

[حاشیه] به مقام ریاست وزراء عظام فرستاده شود و خواسته شود که در این باب توجه فرموده که اسباب آسودگی متظلمین فراهم گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۳

[ناظم دفتر به صولت‌الدوله، ۲۶ شعبان ۱۳۴۰، ۴ ثور ۱۳۰۱]^۱

لیله دوشنبه ۲۶ شهر شعبان ۱۳۴۰

تصدق حضور مبارک شوم

هفته گذشته از طریق پست کازرون به عرض دو عریضه و ارسال دو نمره روزنامه جسارت ورزید و در تعقیب آن غلام خاصه هم با روزنامه‌جات روانه البته عریضه‌جات رسیده و از لحاظ مبارک گذشته عرایض فدوی یا مسموعات است یا مشاهدات قیاس نیست. حالا محلّل به اغراض چه اشخاصی است صرافی [؟] آن به استنباطات خود حضرت اشرف است. تکلیف فدوی بدون حشو روانه به عرض رسانیدن است قبل از حرکت قوام‌الملک چند نفر از هیئت متظلمین مثل آقای رئیس‌العلماء و آقای ضیاء‌الادباء و امام‌جمعه و حاج‌مجتهد و معدّل به تلگرافخانه رفتند و با و کلاء فارس راجع به تظلمات خودشان مخابراتی نمودند که شنیدم قریب یکصد تومان قیمت مخابره آنها شده و ضمناً هم قوام‌الملک از جواب جریده که نوشته بود با پول قوام‌الملک این هیئت متظلمین تأسیس یافته، براءت ذمه خواسته و تلگرافی نمود که تظلمات حضرات به من مربوط نیست. این چه نسبتی [است] که به من دادید، در واقع دفاع نمود.

حضرت قوام‌الملک صبح شنبه ۲۴ برای عمادآباد حرکت نمود از قراری که خودشان بیان نمودند چهار پنج روزه مراجعت می‌نمایند.

می‌گویند علی‌خان با عده [ای] سوار و تفنگچی کندشلو بوده و حال به شیخ بید و کوشک هزار آمده. امروز میرزا احمدخان ضابط و امین مالیه بیضا را ملاقات نمود، او شبانه راپورت داد که علی‌خان به همین نقاط آمده و قریب سیصد نفر سوار و تفنگچی دارد، حالا همین‌طور بوده که ایشان بیان نموده‌اند یا ترتیب دیگر نمی‌دانم. در شهر هم آمدن علی‌خان به سمت بیضا شهرتش هست. بعضی می‌گویند در بیضا اقامت می‌نماید بعضی می‌گویند به هوای کشکولی و دره‌شوری‌هایی که در بختیاری بودند حرکت می‌نمایند. به هر صورت فدوی خدمت ایالت جلیله رسیدم عرض کردم در شهر شهرتی است که حکمی از والا حضرت برای علی‌خان صادر گردیده و حالا قسمت بیضا متوجه شده اگر حقیقت دارد محض حفظ انتظام لازم است به آقای سردار دستخطی شود که این‌طور صلاح دیدم، تا ایشان هم تکلیف خود را بدانند. فرمود من از آمدن علی‌خان اطلاع دارم نه حکمی داده‌ام. عرض کردم موقع حرکت ایل است شاید برای ظهور هرج و مرج این حرکت را نموده و یک همچو اظهاری هم داشته، [نصرت‌السلطنه] فرمود: اگر حکم دارد بیرون بیاورد. عرض کردم فعلاً کسی از او حکم نمی‌خواهد، غرضش اشتها در ایل و اختلاف داخله قشقایی است. فرمودند پس از تحقیق اگر آمدنش حقیقتی داشته باشد البته جلوگیری می‌نمائیم و او را منع می‌کنیم. از خدمت ایالت به تلگرافخانه رفتم. شنیدم که مثل امشب ایالت با رئیس الوزراء و سردار ناصر [تلگراف] حضوری دارند. از رئیس تلگرافخانه که سؤال نمودم گفت: شاید این حضوری راجع به تظلماتی است که چند روز قبل هیئت

۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

متظلمین به مرکز کردند. حالا مطالبی دیگر هم باشد بعد شاید معلوم گردد. سردارناصر هم چند روزی است وارد طهران شده و همه روزه تلگرافاتش می‌رسد. راجع به آمدن علی‌خان به رئیس تلگرافخانه گفتم. گفت: به من راپورت داده‌اند که زیاده از دوهزار سوار و تفنگچی دارد. گفتم: خیر این‌طور نیست عده قلیلی است آن هم تفرقه هرجایی است و نمی‌دانم چرا ایالت جلوگیری نمی‌نماید. خندید و گفت: شاید منافی با میل مسترچیک^۱ باشد. به هر حال او را آگاه نمودم که اهمیتی ندهد. گرچه آنهایی که مقصودشان غرض‌رانی است او را بزرگ می‌نمایند و اهمیت می‌دهند. از رئیس تلگرافخانه مقتضی است احوالپرسی بفرمائید. می‌خواهم توجه حضرت اشرف را به یک اقدامی معطوف بدارم ولی اگر در فصل زمستان یک مختصر اقدامی شده بود امروز این جمع و جوقه فراهم نبود. اگرچه حالا هم هیچ نیست حکم باد و پشه بوده است ولی سکنه به کار وارد می‌آورد.

در شهر افواه و السنه افتاده که اهالی کازرون، حضرت اشرف را از ورود به کازرون منع کرده‌اند حتی امیرلشکر هم این خبر [را] نقل نمود و از فدوی سؤال کرد. گفتم: نه حرف از روی یک غرض و مرض است. آقای سرداراحتشام با مردم مراوده‌اش را وسعت داده و خدمت آقایان علما هم غالباً می‌رود. رندان برای جواب تلگراف حضرت اشرف دستوری به مدیر عدالت داده بودند به هر قسمی بود او را منع نمود که از درج آن صرف نظر نماید.

امروز شنیدم که از مرکز حکم شده که از ارفع‌الملک و مسعودالسلطنه به آباد نروند و اگر رفته‌اند مراجعت نمایند. تا در امر انتخاب آباد تولید اشکال نگردد و گفتند مراجعت نمایند. این خبر افواهی است و گمان می‌رود بی‌حقیقت نباشد.

راجع به ایالت هم قیاساتی بعضی از مردم می‌نمایند هنوز هیچ خبری نیست از مرکز هم تازه گزارش‌ها فقط جریده نگاران از هیچ‌گونه نوشتن و گفتن خودداری ندارند و خیلی بی‌ملاحظه مطالب را درج می‌نمایند. چند نمره روزنامه که رسیده بود فرستادم و علاوه به مهترخانه دادم از لحاظ مبارک بگذرد. مخصوصاً روزنامه حقیقت و ایران آزاد قابل توجه و ملاحظه است.

جناب حاج‌مدرس را ملاقات نموده آن ملفوفه حضرت اشرف را دادم، دید خیلی حرف زده شد. بالاخره شرحی نوشته‌اند که فرستادم ملاحظه خواهید فرمود. شکرالله‌خان هم اتصالاً از فدوی تکلیف می‌خواهد، فدوی هم او را امیدوار نموده و می‌نماید تا ببینیم چه ترتیبی پیش می‌آید. میرعباس که مرخصی حاصل نموده شنیدم که بعضی حرکات کرده که جناب آقامیرزا محمدباقر مفصلاً خاطر مبارک آگاهی می‌دهند. حالا [.....]^۲ حرکاتی بشود او آن را آیا دستوری است. یا [.....]^۳ به خود است. تلگرافی که با [.....]^۴ فدوی فرموده بودید زیارت شد و از لحاظ والا حضرت اقدس هم گذرانید والا تلگراف مفصلی هم که راجع به سرقت

۱. قونسول انگلیس در شیراز.

۲. ۱ تا ۴: یک کلمه ناخوانا.

۳. یک کلمه ناخوانا.

جعل سند: مروری بر تنش‌های داخلی فارس در سالهای... / منصور نصیری طیبی

گوسفندان که [...] کرده بودید دیدم به هر صورت غفلت ندارم و از وظیفه فدویتی که هست فروگذار نمی‌نمایم. فدوی زاده هم مراتب فدویت خویش را تقدیم می‌نماید اوامر مطاع و توجه [؟] است. عبدالله [محل امضاء]



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۴

[رئیس‌الوزراء به مجلس شورای ملی، ۹ ثور ۱۳۰۱،]۱

ریاست وزراء، نمره ۱۴۸۰، به تاریخ ۹ برج ثور ۱۳۰۱.

ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

مرقومه نمره ۶۷۴۲ دائر بر استعلام از اقدامی که مورد تلگراف متظلمین فارس از سردار عشایر به عمل آمده واصل گردید. جواباً خاطر شریف را مستحضر می‌دارم که در نتیجه مخابرات حضوری تلگرافی به ایالت فارس و به خود سردار عشایر قرار شد هیئتی از نمایندگان ایالت و آقایان علماء و یک نفر نماینده که از طرف مرکز معین گردیده به محل رفته قرار احقاق حق و رفع شکایت متظلمین را بدهد.

[محل امضاء و مهر ریاست وزراء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۵

[علی‌خان سالار حشمت به مجلس شورای ملی، ۱۲ جوزاء ۱۳۰۱،]^۱
ادراه تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۷۴، از شیراز به ط نمره قبض ۴۱۹۳، نمره
تلگراف ۱۲۸، عدد کلمات ۲۴۳، تاریخ ۱۲ اصل، تاریخ وصول ۱۳ جوزاء سنه ۱۳۰۱.
توسط نمایندگان محترم فارس دامت تأییداتهم، مقام مقدس مجلس شورای ملی
شیدالله ارکانه

مدتی مظالم صولت‌الدوله را به حضور ایالت جلیله عظمی عرض و استدعای آسودگی خود را نموده‌ایم.
از بس انتظار کشیدیم عطف توجهی نفرمودند ناچار با کلاتران دوره شوری و کشکولی و شش بلوکی
وعده [ای از] متظلمین قشقایی که عمله قشقایی هستند. برای عرض تظلم حضوری به طرف شیراز حرکت
کردیم در حوالی قره‌پیری سه فرسخی شهر آدم‌های صولت‌الدوله که جلو بندی از ماها کرده بودند غفلتاً
حمله بردند. ما هم ناچار به دفاع شدیم جنگ درگیر شد در این بین صولت‌الدوله با قشون خود از عقب رسید
جنگ سخت و شدید شد، از آنجا که خداوند حامی مظلومان است مشارالیه را شکست فاحش داده تا کنون
که این تلگراف عرض [می‌شود] و عصر پنج‌شنبه و چهارم است دنباله جنگ باقی است. همین قدر عرض
می‌کنیم شما و کلای ملت اگر خاتمه به این مظالم ندهید و رفع شر صولت‌الدوله را از رعایای مطیع قشقایی
نفرمائید نزد خدا و خلق مسئول و باعث نشوند که فارس یک پارچه آتش شود. فدوی و این جمع کثیر که از
کلاتر و رعیت عمده قشقایی هستند تا یک نفرمان زنده باشد، قبول ریاست صولت‌الدوله را نخواهیم کرد.
عموم برای خدمتگذاری دولت و دادن مالیات و تعهد انتظام حاضریم. ولی بیش از این تحمل ظلم و تعدیات
صولت‌الدوله را که [.....]^۲ القاء نکرده و نمی‌کند نمی‌توانیم بکنیم علی‌سالار حشمت قشقایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. م. ۴، ک. ۲۵، پ. ۹۳.

۲. دو کلمه ناخوانا.

سند شماره ۱۶

[مجلس شورای ملی به حاکم فارس، ۱۳ جوزاء ۱۳۰۱،]^۱
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۷۹۴۱، تاریخ ارسال ۱۳ جوزاء ۱۳۰۱.
ایالات جلیله فارس

مطابق تلگرافی که از علی‌خان سالار حشمت برادر صولت‌الدوله سردار عشایر واصل گردید. به نحوی که البته استحضار دارید بین مشارالیه و کسان سردار عشایر سوء تلافی حاصل و از طرفین اقدامات غیرمترقبه شده بدیهی است با تجارت و موقع دانی حضرت اشرف‌والا این پیش آمد به کلی برخلاف انتظار اهتمامات کافیه این ایالت برای رفع غائله و حصول انتظام و استحضار از نتیجه اقدامات را هرچه زودتر مترصد است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۷

[مجلس شورای ملی به صولت‌الدوله، ۱۳ جوزاء ۱۳۰۱، ۱]
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۷۹۴۴، تاریخ ارسال ۱۳ برج جوزاء ۱۳۰۱ عنوان
کاغذ شیراز.

جناب آقای صولت‌الدوله سردار عشایر دام اقباله

مطابق تلگرافی که از سالار حشمت رسیده، موقعی که مشارالیه به شیراز می‌آمده از طرف گماشتگان جناب عالی اقدامات خلاف انتظامی شده با اینکه به هیچ‌وجه مدلول تلگراف در مقابل احساسات وطن‌پرستی و مراتب کاردانی و موقع شناسی و لزوم الفت با برادر خودتان قابل قبول به نظر می‌آید شرح لازم به ایالت فارس و خود سالار حشمت در فراهم ساختن موجبات اصلاح ذات‌البین تلگراف شد. ولی بیشتر منتظرم خود جناب عالی مقدم به اصلاح شده دقیقاً نکات دقیقه در این قضیه را رعایت نمایند. رشته امر را امتداد نداده از ختم غائله که موجب امتنان این جانب و سایرین از شخص جنابعالی پسندیده است زودتر مستحضرم دارید
[محل امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۸

[مجلس شورای ملی به علی‌خان سالار حشمت، ۱۳ جوزاء ۱۳۰۱]^۱
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۷۹۴۳، تاریخ ارسال ۱۳ برج جوزاء ۱۳۰۱، عنوان
کاغذ شیراز جواب تلگراف نمره ۲۲۸ و قبض نمره ۳۱۹۳.
جناب اجل آقای سالار حشمت قشقایی دام اقباله

تلگراف شما واصل و مراتب حیرت‌آور را مستحضر گردید. در صورتی که بدو از طرف کسان آقای
سردار عشایر چنین اقدامی مبادرت شده باشد. جای بسی تعجب و به کلی برخلاف انتظار است. شرح لازم
تلگرافاً به ایالت فارس و خود ایشان مخابره شد که در اصلاح ذات‌البین و ترضیه خاطر شما فوراً اقدام نمایند.
ولی نباید فراموش کنید که اساساً این قبیل اقدامات از مثل شما کاردان و بصیری مخالف انتظار و نباید
نتیجهٔ مهربانی و حقوق اخوت را از دست داد. منتظر است هر چه زودتر از ختم قضیه که از اهتمام خود شما
پسندیده است اینجانب را مطلع [.....]^۲ امثال کلیه علاقه‌مندان به حفظ روابط و دادیه بین را فراهم دارید.
رئیس مجلس شورای ملی
[محل امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. م. ۴، ک. ۲۵، پ ۱۲.

۲. یک کلمه ناخوانا.

سند شماره ۱۹

[صولت‌الدوله به مؤتمن‌الملک، ۱۵ جوزاء ۱۳۰۱، ۱]

اداره تلگرافی دولت علیه‌ایران، از شیراز به ط نمره قبض ۴۳۴۴، نمره تلگراف ۱۷۱، عدد کلمات ۶۵۲، تاریخ اصل ۱۵، تاریخ وصول ۱۶، جوزاء سنه ۱۳۰۱.
حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف آقای مؤتمن‌الملک رئیس مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکتہ.

تلگراف مبارک حال که شب هشتم است زیارت [.....]^۲ باعث بسی تعجب و حیرت گردید چه پایه شعیده و بی‌شرمی و بی‌شرفی مفسدین در این مملکت به جای نرسیده که برای احدی امکان تحمل و یا امیدی باقی بماند. از مدتی قبل از طرف ایالت جلیله به بنده تأکیدات شده لازم است خراب شهر حاضر شوید تا اساسی که موجب آسایش عمومی است فراهم آید. با اینکه علم داشتیم این فرمایش روح و حقیقت ندارد محض اتمام حجت چهل روز است حوالی شهر تا دو فرسنگی توقف و در این مدت بنده را معطل و ایام را به امرار گذرانیده، همه روزه رنج افزون گشت و حاجت نارواتر از پنج‌شنبه چهارم ایالت جلیله به موجب دستخط دعوت به باغ آقای امام جمعه که دو هزار قدمی شهر است چهار ساعت به غروب وقت معین و بنده حاضر شده به وسیله تلفون با ایالت مشغول مذاکره بودیم. نیم ساعت فاصله خبر رسید علی‌خان با عده‌ای^۳ اشرار و سارقین فراری که برای این موقع از طرف مغرضین شهری دستور و کمک داشتند به طرف اردو حمله آورده رؤسای قشقای که از سوء اعمال او همیشه متنفرند به محض استماع این خبر برای قلع و قمع او حرکت نمودند بنده هم همین که دیدم اغراض و دسیسه مغرضین به ظاهر و صدق عرایض ثابت شد دیگر توقف را جایز نداشته مراجعت به طرف اردو نمودم [م] معلوم شد عده‌ای^۴ که سر منزل بودند او را شکست داده جلو این سوارها که رسید خود را مستأصل دیده و به کوه پناهنده شده برای تنبیه او مصمم گردید. در این موضوع هم ایالت جلیله به موجب دستخط تأکید در عدم اقدام نمود. با آنکه اقتضا نداشت و عموم رؤسای قشقای ساکت نمی‌نشستند محض اثبات اطاعت و حقانیت خود این نا ملایم را به سایر نامالیقات افزوده تحمل نمود، در صورتی که علی‌خان خائن معروف، به نفسه قاتل و قادر به این اعمال نبوده و نیست و چند نفر همراهان او هم از این قبیل است. نصرالله کیخا و هدایت دره‌شوری دو سارق اموال سیم‌کشی انگلیس و جهانگیر کشکوک که مصدر سرقت دو بسته و نهب ده پشه وزیران است و مکرر از مقام منبع وزارت‌داخله و ایالت جلیله تأکید در مطالبه دسته آنها شده و اعمال آنها پوشیده نیست و به همین جهت مدتی است فراری هستند. دو ماه است علی‌خان هم با تعلیمات مخصوص به آنها ملحق گردید. با آنکه باید مجازات شوند او [و] همراهانش را محترماً قر خراب شهر منزل داده اموال منهویه و مسروقه موقوف مطالبه [شود]

۱. م. ۴، ک. ۲۵، پ. ۹۳.

۲. یک کلمه ناخوانا.

۳. یک کلمه ناخوانا.

چون آلت دست خائنین مملکتند کاملاً تطهیر به تلگرافات تظلم‌آمیز می‌خواهند مرکز را مشتبه سازند. لطافت در این است که عما قریب در هیئت متظلمین هم عضویت حاصل خواهند نمود. بنده امتحانات خود را سالها است [که داده‌ام] هم اکنون هم [با] صدای عالم رسا عرض می‌نمایم مسلک بنده وطن پرستی است، اطاعت دولت را فرض ذمه خود می‌دانم. مالیات خانه‌ام یعنی قشقایی را با آنکه در نهایت درجه خرابی را از خود اطاعت و بندگی نموده والا هم اگر بگذارند با موانع و اشکالات حاضره به قدر استطاعت از پرداخت مالیات و حفظ انتظامات قصور نخواهد نمود. اگر روسای دوایر مجبور به وجدان کشی و کتمان نباشند عقاید به تلگرافات بنده و اغراض مغرضین را در ساعت مجلس مقدس و اولیای امور معروض خواهند داشت. بعد از ظهر دسایس و مشبوت عرایض بیشتر از این توقف را جایز نداشته به طرف ایل حرکت نمود چون فارس در کلیه قوانین دنیا محروم و مطمئن نیست که مطالب را کاملاً عرضه دارد تصدیق افزائی را به این شعر خاتمه می‌دهد:

بر آن مملکت زار باید گریست که فریاد رس را ندانند کیست

اسمعیل قشقایی [محل مهر تلگراف‌خانه تهران]

[حاشیه] سواد تمام تلگرافات به مقام ریاست وزراء عظام فرستاده شود که ترتیبی در انتظام ایل قشقایی

بدهند نمره ۳۰۱۳/۲۳، کمیسیون عرایض ۱۳۰۱/۳/۱۶ نمره ۱۰۳۳



سند شماره ۲۰

[مجلس شورای ملی به حاکم فارس، ۱۶ جوزاء ۱۳۰۱]

مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۸۰۶۴، تاریخ ارسال ۱۶ برج جوزاء ۱۳۰۱.

ایالت جلیله فارس

در تعقیب تلگراف نمره ۷۹۴۱ مطابق اطلاعات واصله آقای سردار عشایر مسلماً برای جوابگویی به اظهارات و رسیدگی به تظلمات سالار حشمت به شیراز می‌آمده و بدون سابقه از طرف سالار حشمت مبادرت به این اقدام غیرمترقبه گردیده. بدیهی است این اقدام مشارالیه نسبت به برادر خود تا چه درجه بی‌مناسبت است در هر صورت چنانچه قبلاً اشعار شده البته تاکنون به اصلاح ذات‌البین که مستلزم ترضیه خاطر آقای سردار عشایر است موفقیت حاصل نموده‌اید. منتظر است هر چه زودتر نتیجه را اطلاع دهید [محل امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲۱

[نصرت‌السلطنه به مؤتمن‌الملک، ۱۶ جوزاء ۱۳۰۱]^۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۴۳۳، از شیراز به ط نمره قبض ۴۴۴۷،
نمره تلگراف ۱۹۳، عدد کلمات ۱۷۹، تاریخ اصل ۱۶، تاریخ وصول ۱۷ جوزاء.
خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف آقای مؤتمن‌الملک رئیس محترم مجلس شورای ملی
دامت شوکتہ.

تلگراف حضرت مستطاب عالی راجع به واقعه علی‌خان سالار حشمت و سردار عشایر واصل گردید. مابین
سردار عشایر و سالار حشمت و جمعی از خوانین کشکولی و دره شوری چندین سال است اختلافاتی تولید
شده است و از چندی به این طرف مشغول اصلاح ما بین آنها بودم تا چند روز قبل غفلتاً میان کسان سردار
عشایر و سالار حشمت تصادفاتی شده فوراً مأمور مخصوص فرستاده از زدو خورد ما بین آنها جلوگیری به
عمل آید و از قراری که علی‌خان به مأمورین اظهار داشته قصد آمدن شهر و عرض تظلمات خود را به دولت
داشته در بین راه با کسان آقای سردار عشایر مصادف شده بودند فعلاً از زدو خورد آنها جلوگیری شده است و
سالار حشمت در نزدیکی شهر برای عرض عرایض خود به دولت و ایالت توقف نموده است. پس از رسیدن
عرایض او مراتب به دولت مراجعه خواهد شد. به هر طور مقرر فرمایند ترتیبی در کار آنها داده می‌شود.
نمره ۱۲۴۱ نصرت‌السلطنه
[محل مهر تلگرافخانه تهران]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲۲

[عده‌ای از علما و اهالی شیراز به مجلس شورای ملی، ۱۷ جوزاء ۱۳۰۱]^۱
اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از طهران به شیراز، نمره قبض ۴۴۷۷، نمره
تلگراف ۲۰۴، عدد کلمات ۲۱۳، تاریخ اصل ۱۷ جوزاء ۱۳۰۱، سواد مطابق اصل است.
توسط آقای دستغیب، ساحت مقدس مجلس دارالشوری ملی، کپیبه حضرت اشرف
وزیر جنگ دامت شوکتہ.

علی‌خان سالار حشمت به تحریک مغرضین و دشمنان امنیت به همراهی عده [ای] دزد در یک میلی شیراز
رحل اقامت افکنده و مشغول سرقت و شرارت است چنانچه جلوگیری عاجل در قلع و قمع او نشود عنقریب
ناتره شرارت او تمام فارس را فر خواهند گرفت، وسایل دفع شر او را به فوریت تقاضا داریم. اقل السادات
فتح‌الله سیدمحمد، حقیر عبدالحسین جلال، العبدشاه رفیع محمد، الاحقر صدر الشریعه، اقل جوادالحسین،
اقل السادات خلیل‌الله، اقل السادات علی اکبر، اقل السادات علی، اقل السادات آقا ابوطالب، محمدحمید، فضل‌الله
محمد کاظم، اقل السادات عبدالحسین، عبدالمجید ترک، الحاج عبدالجلیل ترک، محمدحسین شریف،
عبدالحسین سمسار، محمدهاشم، العبد عبدالله، الاحضر محمود، ناصر الشریعه، ابوالقاسم الحسینی،
عبدالله بن ابراهیم، صدرالله نام، زین العابدین، محمدعلی طباطبایی، عزیز آقا، منصور طباطبایی، حسینعلی سمسار،
حیدرقلی، فضل‌الله، محمد ابراهیم الحسینی، عبدالرحمن، عزیزخان، حسین، محمدعلی الموسوی، خلیل‌الله،
قنبرعلی، میرزاخانی، الجعفر محمد رضا، باقر، هادی الحسینی، باقر محمدالموسوی

[محل مهر تلگرافخانه شیراز]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

سند شماره ۲۳

[هیئت مرکزی اتحاد اسلام فارس به مجلس شورای ملی ۱۷ جوزاء ۱۳۰۱]^۱
اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از شیرزا به طهران، نمره قبض ۴۴۷۱، نمره
تلگراف ۲۰۱، عدد کلمات ۹۰ تاریخ اصل ۱۷، تاریخ وصول ۱۸ جوزاء سنه ۱۳۰۱.
توسط آقای دستغیب ساحت مقدس مجلس دارالشورای ملی، کپیبه حضرت اشرف
وزیر جنگ دامت شوکته، کپیبه ایران آزاد

اوضاع کنونی فارس ناگوار، امنیت مالی و جانی از عموم اهالی مسلوب علی‌خان سالار حشمت بعد از
تهاجم به اردوی سردار عشایر فرار و به همراهی عدّه دزد و غارتگر مشغول دزدی و شرارت است. چنانچه
اقدام جدی در جلوگیری از او نشود رشته انتظامات فارس گسیخته خواهد شد. وسایل امنیت و آسایش مردم
بیچاره را به اسرع وقت تقاضا می‌نماید. هیئت مرکزی اتحاد اسلام فارس [محل مهر تلگرافخانه تهران]
[حاشیه] از رئیس‌الوزراء توضیح بخواهند که نتیجه اقدامات ایشان در این خصوص چه شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲۴

[سردار سپه به صولت‌الدوله، ۱۸ جوزاء ۱۳۰۱]^۱
اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۳۰، از طهران به شیراز، نمره
قبض ۴۲۹۱، نمره تلگراف ۱۵۳۱، عدد کلمات ۱۱۷، تاریخ اصل ۱۸، تاریخ وصول ۱۸
جوزاء سنه ۱۳۰۱.

جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر دام اقباله

تلگراف ششم شوال و اصل گردید با موقعیت فعلی مملکت از وقوع این قبیل حوادث بی‌نهایت متأسفم
مراتب صمیمیت و خدمتگذاری جنابعالی نسبت به دولت به هیچ وجه مورد تردید نیست و البته با عوالم
دولتخواهی که در شخص جنابعالی سراغ دارم تصدیق خواهید فرمود که به این مناقشات و دوئیت ما باید
سریعاً خاتمه داده شود. اشخاصی که کاملاً طرف و ثوق به من هستند امروز با تعلیمات کافی از مرکز حرکت
و لدی‌الورود^۲ به این قضایا کاملاً رسیدگی و در رفع آن اقدام می‌نمایند. تا ورود اشخاص مزبور قدغن
فرمایند به هیچ وجه تجدید مصادمه مبادرت نمایند. نمره ۴۶۹۵ وزیر جنگ و فرمانده کل قشون رضا
[محل مهر تلگرافخانه شیراز]



۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

۲. به محض ورود.

سند شماره ۲۵

[سالار حشمت به مجلس شورای ملی، ۱۸ جوزاء ۱۳۰۱،^۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۴۱، از شیراز به ط، قبض ۴۵۲۴، نمره
تلگرافی ۲۳۴، عدد کلمات ۱۸۹، تاریخ اصل ۱۸، تاریخ وصول ۱۹ جوزاء سنه ۱۳۰۱.
مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه، کپیه آقای محقق‌العلماء، کپیه آقای دستغیب،
کپیه آقای آقا سید یعقوب، کپیه آقای امین شریعه، کپیه آقای آقا شیخ محمد حسین سعادت
و کلا محترم فارس

عریضه‌جات تلگرافی فدوی و کلانتران قشقایی به ساحت مجلس مقدس تقدیم شده اکنون تجدید و
تکرار می‌شود. صولت‌الدوله مال و ملک و دارائی برای احدی باقی نگذارده، داخله قشقایی خراب، املاک
مردم ویران، همه مفاسد از شخص او است اگر تمام را [ما] قطعه قطعه کنند تحمل ریاست ظالمانه او را
نخواهد کرد. خودش [صولت‌الدوله] چون از تسکین غایله قشقایی مایوس و مضطرب بود امروز صبح حرکت
نمود. فدوی و کلانتران همچون عده زیاد و مخارج گزاف داریم. امروز دیگری را برای کسب اجازه از
ایالت جلیله عظمی توقف نموده فردا با احتشام [حرکت] می‌کنیم. نماینده فدوی و کلانتران در شیراز است،
قطع عرایض و مستدعیات نمی‌شود مگر به ریاست ظالمانه صولت‌الدوله خاتمه داده شود، اگر اولیای دولت
و امنای ملت توجهی در آسایش این جمع کثیر که امید خود را مطیع و خادم می‌دانند نفرمایند و اسباب
مایوسی حاصل شود، جلوگیری از هزارها خانوار ستمدیده ایل از قوه فدوی و کلانتران ساقط، اغتشاش
سرتاسر مملکت را خواهد گرفت. علی قشقایی [محل مهر تلگراخانه تهران]
[حاشیه] چون سابقاً جواب داده شده حسب الامر ضبط شود. ۱۳۰۱/۳/۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲۶

[عده‌ای از کلانتران قشقایی به مجلس شورای ملی، ۱۸ جوزا ۱۳۰۱،^۱ اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۱۳۵، از شیراز به ط، نمره قبض ۴۵۲۵، نمره تلگراف ۲۲۴، عدد کلمات ۲۷۷، تاریخ اصل ۱۸، تاریخ وصول ۱۹ جوزاء سنه ۱۳۰۱.]

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه، کپیبه آقای محقق‌العلماء، کپیبه آقای دستغیب، کپیبه آقای سید یعقوب، کپیبه آقای امین‌الشریعه، کپیبه آقای آقا شیخ محمد حسین سعادت وکلای محترم فارس.

در تعقیب تلگرافات تظلم‌آمیز سابق اکنون مجدد به این تلگراف عرض و استدعا می‌نمائیم، طوایف قشقایی دیگر تحمل ریاست ظالمانه صولت‌الدوله را نمی‌کنند ولو همه را قطعه قطعه کنید. خود صولت‌الدوله هم چون از تسکین غائله قشقایی مأیوس و مضطر شد و تاب مقاومت ندید، امروز صبح غفلتاً حرکت نمود و رفت، عده چاکران هم چون زیاد و مخارج حوالی شهر خیلی است. امروز دیگر را برای کسب اجازه از ایالت جلیله توقف نموده فردا حرکت می‌کنیم. نماینده چاکران برای رسانیدن عرایض و مستدعیات در شیراز خواهد ماند و قطع عرایض و مستدعیات نمی‌شود. مگر رفع شر صولت‌الدوله غارتگر عذار را از قشقایی بفرمائید. باز هم عرض می‌کنیم برای دادن مالیات نظم و همه نوع فداکاری حاضر هستیم. اگر این همه طوایف و خانوار از توجهات عادلانه اولیای امور و امنای ملت مأیوسی حاصل کردند منتهی به اغتشاش عظیم خواهد شد و از چاکران هم قوه جلوگیری نخواهد ماند - نصرالله‌خان ابن آقاباباکیخا کلانتر دره‌شوری، جهانگیرخان ولد محمدخان هژیر عشایر کلانتر کشکولی، الیاس‌خان ولد محمدعلی‌خان ضرغام عشایر کلانتر کشکولی، فتح‌الله‌خان ولد حیدرعلی‌خان کلانتر کشکولی، الیاس‌خان ولد کاظم‌کیخا کلانتر دره‌شوری، حسنعلی‌خان ولد نجف‌قلی‌خان کلانتر کشکولی، باقرخان ولد غلامرضابیک کلانتر بلو، صفدرخان ولد احمدخان کلانتر شش بلوکی، شکرالله‌خان کلانتر فراشیند، غلامحسین‌خان ولد شریف‌خان کلانتر صفی‌خانی [محل مهر تلگرافخانه تهران]

سند شماره ۲۷

[معین‌التجار بوشهری به صولت‌الدوله، ۹ ژوئن ۱۹۲۲/۱۹ جوزاء ۱۳۰۱]^۱
و From Tehran to Shiraz و Indo-European Telegraph Department
Class Pc و No ۶۹ و Word ۱۸۱، ۹ Original date

دهد سنی شیراز، حضور حضرت اجل آقای سردار عشایر دامت شوکتہ قضیہ علی‌خان، جواد^۲ تلگراف کرد فوراً ناظم دفتر اطلاع دادم خودم هم، حضرت وزیر جنگ [و] کفیل وزارت داخله تلگرافات لازمہ [به] ایالت و امیرلشکر کردند. علی‌خان تلگرافات تظلم به مجلس [و] هیئت وزراء کرده بود مؤثر نشد تمام مطالب [را] نمی‌توان تلگرافاً عرض کرده تلگراف جواد به موقع رسید و آلا علی‌خان اشتباه کاری می‌کرد تلگراف حضرت عالی بعد از چهار روز رسید چرا فوراً اطلاع ندادید مقصود در ارادت غفلت نمی‌شود اینکه تلگراف کردم از معامله ممسنی صرف نظر فرمائید صلاح خود حضرت عالی هم در این می‌بینم، البته اجابت فرموده‌اید منتظر تلگراف مبارک هستم به طیب خاطر تلگراف فرمائید از معامله منصرف شده‌ام به قسم صلاح حضرت عالی در این است سابقاً هم عرض کردم هیچ معامله و شراکتی میانه نباشد دوستی بی‌ریب و ریا بهتر است. استدعا دارم صلاح‌اندیشی بنده را زودتر قبول، تلگراف فرمائید (محمد)



۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

۲ - جواد (امیرهمايون بوشهری) فرزند معین‌التجار بود.

سند شماره ۲۸

[نصرت‌السلطنه به مؤتمن‌الملک، ۱۹ جوزا ۱۳۰۱،]^۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۴۵۷۸۶، نمره قبض ۴۵۷۸۲۶، عدد کلمات ۴۵، تاریخ اصل ۱۹، تاریخ وصول ۲۱ جوزا سنه ۱۳۰۱.

حضرت اشرف آقای مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی دامت شوکتہ

مرقومه تلگرافی راجع به واقعه بین آقای سردار عشایر و سالار حشمت واصل خاطر محترم را به مندرجات تلگراف جوابیه نمره ۱۲۴۱ مورخه ۸ شهر جاری متوجه می‌دارد نمره ۱۳۳۵ نصرت‌السلطنه [محل مهر تلگرافخانه تهران]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲۹

[سردار سپه به هیئت اتحاداسلام، ۲۱ جوزاء ۱۳۰۱]^۱
اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره کتاب ۷، از طهران به شیراز، نمره قبض ۴۴۷۲،
نمره تلگراف ۱۴۷، عدد کلمات ۳۷، تاریخ اصل ۲۱، تاریخ وصول ۲۲ جوزا.
هیئت محترم اتحاد اسلام
تلگراف شکایت‌آمیز برعلیه علی‌خان سالار حشمت واصل گردید. در این باب به امیرلشکر جنوب تلگرافاً
دستور لازم داده شد. نمره ۵۱۴۰ وزیرجنگ و فرمانده کل قشون رضا. [محل مهر تلگرافخانه شیراز]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

سند شماره ۳۰

[مجلس شورای ملی به رئیس الوزراء، ۵ سرطان ۱۳۰۱]،^۱
مجلس شورای ملی، نمره‌های قبل ۸۱۴۶، تاریخ ارسال ۵ برج سرطان ۱۳۰۱.
ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکتهم

در تعقیب نمره ۸۱۴۵/۸۱۴۶، راجع به اقدامات علی‌خان سالار حشمت بر علیه سردار عشایر از [.....]^۲
هیئت مرکزی اتحاد اسلام فارس تلگرافاً تظلم نموده‌اند، علی‌خان سالار حشمت عملیات خود را ادامه و
توسعه داده و موجب اضطراب خاطر اهالی گردیده متمنی است. از اقداماتی که در این باب به عمل آمده
مجلس شورای ملی را مستحضر دارند تا در جواب تلگرافات داخله در این باب از اهالی رفع نگرانی نمایند
[محل امضاء]

[حاشیه] به خود عارضین هم جوابی بدهید که علت تأخیر بحران کابینه بود حالا که رفع شده به رئیس
دولت تأکید شد از خدمات صولت‌الدوله هم اظهار قدردانی شود.



۱. م. ۴، ک. ۲۵، پ. ۹۳.

۲. یک کلمه ناخوانا.

سند شماره ۳۱

[مجلس شورای ملی به هیئت مرکزی اتحاد اسلام، ۱۱ سرطان ۱۳۰۱،]^۱
مجلس شورای ملی، نمره کتاب ثبت ۸۸۲۲، تاریخ ارسال ۱۱ برج سرطان ۱۳۰۱،
عنوان کاغذ شیراز جواب تلگراف نمره ۱۳۰۱ نمره قبض ۴۴۷۱.
هیئت محترم مرکزی اتحاد اسلام

در موضوع شکایت تلگرافی آقایان از عملیات سالار حشمت، بحران کابینه موجب تأخیر اقدامات بود و اکنون به دولت تأکیدات لازمه شده و خدمات آقای سردار عشایر را همواره ملت و دولت تقدیر نموده و در این قضیه نیز جبرانی که مستلزم ترضیه خاطر ایشان و سایر علاقه‌مندان باشد به عمل خواهد آمد.
[امضاء]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۳۲

[محمدعلی به صولت‌الدوله، ۳ اسد ۱۳۰۱ ش]^۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، طهران به آباده، نمره قبض ۱۷۴۴۷، نمره تلگراف ۳، عدد کلمات ۶۵، تاریخ اصل ۳، تاریخ ۴ اسد، اسم گیرنده اسماعیل، سنه ۱۳۰۱.
حضرت سردار عشایر دامت شوکته

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد حرکات علی خان در دولت خیلی سوء اثر کرد. محرک هم می‌دانید خوب توییح شده، چون نتیجه به عکس گرفته، همه قسم شروط اصلاح شما قبول می‌کند. تأکید به او شده ولو و فای به عهد نمی‌کند اصلاح موقتی ضرر ندارد، بعدها حریف نخواهد شد، مجبور به تسلیم است، محمدعلی [محل مهر تلگرافخانه آباده]

سند شماره ۳۳

[سردار سپه به صولت‌الدوله، ۲۳ اسد ۱۳۰۱]^۲

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از طهران به آباده، نمره قبض ۲۰۲۴۳، نمره تلگراف ۲۱۰، عدد کلمات ۶۵، تاریخ اصل ۲۳، تاریخ وصول ۲۴ اسد، اسم گیرنده اسمعیل.
جناب آقای مستطاب اجل آقای سردار عشایر دام‌اقباله

نظر به این که ایلات و طوایف قشقایی را از خودم می‌دانم لازم است به فوریت ده الی بیست نفر از جوان‌های رشید و سوارهای زبده قشقایی را با اسب‌های بسیار مرغوب به طهران روانه نمائید که جزو عده مخصوصین ملتزمین رکاب من باشند نمره ۹۷۷۶ وزیر جنگ و فرمانده کل قشون رضا [محل مهر تلگرافخانه آباده]

۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

۲. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقایی.

سند شماره ۳۴

[پیش‌نویس قرارداد برای رفع اختلافات صولت‌الدوله و قوام‌الملک، ۱۳۰۱ ش]^۱

نظر به اینکه اشکال اختلاف نظری که در حدود ابوابجمعی جنابان قوام‌الملک و سردار‌عشایر ایجاد گردیده است و نظر به لزوم تسویه اختلافات مزبوره و جلوگیری از هر سوء انتظار و تجاوزات ابوابجمعی معزی‌الیها نسبت به یکدیگر مواد ذیل در تحت نظر حضرت اقدس اعظم والا شاهزاده نصرت‌السلطنه والی فارس دامت عظمته مقرر و معمول خواهد بود:

ماده (۱) برای اینکه مواد مقررۀ ذیل کاملاً عملی باشد و در آتیه سوء تفاهمی ایجاد ننماید جنابان سردار‌عشایر و قوام‌الملک هر یک بیست و پنج هزار تومان برای مدت پنج سال در تجارتخانه مرضی‌الطرفین به طور وثیقه خواهند سپرد و در هر موقع طرفین به رضایت یکدیگر بخواهند وثیقه را اخذ نمایند متفقاً مجاز خواهند بود.

ماده (۲) از طرف جنابان قوام‌الملک و سردار‌عشایر هیئتی که چهار باشد یعنی از طرف هر یک دو نفر، به طور حکمیت انتخاب می‌شوند که نسبت به دعاوی و تجاوزات و خسارتی که از طرف ابوابجمعی معزی‌الیها به یکدیگر می‌شود، هیئت مزبوره رسیدگی [به] خسارت دارد. به زودی حق را معین کرده و هرگاه عین یا غرامت ما به النزاع مسترد نشد از وثیقه که در نزد تاجر است به میزانی که خسارت را تشخیص دادند گرفته و به خسارت زده بپردازند و رأی هیئت حاکمه قطعی خواهد بود.

ماده (۳) هیئتی که برای حکمیت و رسیدگی به اظهارات و دعاوی طرفین انتخاب می‌شوند درصدد اختیارات خود خواهند داشت نسبت به دعاوی که از طرفین اظهار می‌شود بدون فوت وقت رسیدگی و قضاوت نموده رأی قطعی خود را به طرفین اخطار نمایند و هرگاه قضیه را طرفین تسویه نکنند هیئت حاکمه حق خواهند داشت که دعوی را تسویه سازند و از تجدید هرگونه اختلافی که ممکن است بین معزی‌الیها ایجاد شود جلوگیری نمایند.

ماده (۴) جنابان سردار‌عشایر و قوام‌الملک وجه‌امن‌الوجه حق نخواهند داشت در ابوابجمعی یکدیگر مداخله نمایند و از هر عملیاتی که اطلاق مداخله و تحریک بر آن می‌شود احتراز خواهند نمود. هرگاه یکی از طرفین مدعی مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم طرف دیگر در ابوابجمعی خود بشود هیئت حاکمه مطلب را تحت مذاقه و رسیدگی درآورده در صورت تحقق مداخله، جبران و جلوگیری مداخلات و ترمیم آن منوط بر رأی هیئت حاکمه خواهد بود و طرفین ملزم خواهند بود که رأی قطعی هیئت حاکمه را در جبران آن قبول نمایند، در صورتی که مداخله و تحریک یکی از طرفین در ابوابجمعی طرف دگر ثابت شود وثیقه تحریک کننده متعلق به طرف دگر خواهد بود.

ماده (۵) جنابان قوام‌الملک و سردار‌عشایر ملتزم و متعهد شده که به هیچ اسم و رسم اشخاص فراری از ابوابجمعی یکدیگر را پناه ندهند و از آنها حمایت نکنند و فوراً باید شخص فراری را تسلیم طرف دگر نمایند

۱. مجموعه اسناد ملک منصورخان قشقای.

و در صورت تخلف، هیئت حاکمه حق دارند وثیقه ناقض را به طرف ذی حق تسلیم کند.

ماده (۶) نظر به پاره موانع و مشکلاتی که بواسطه بعد مسافت سرحد و گرمسیر در تسویه دعوی ابوجمعی طرفین موجود است، در صورتی دعوی مربوط به گرمسیر باشد به ورود [به] گرمسیر دعوی تسویه می‌شود. در هر صورت تسویه دعوی بیش از پنج ماه نباید طول بکشد و در صورتی که در ظرف پنج ماه دعوی را طرفین تسویه نمایند هیئت حاکمه موافق مواد فوق در حدود اختیارات خود دعوی را تسویه خواهند نمود.

ماده (۷) در صورتی که مواد فوق از طرف جنابان سردار عشایر و قوام‌الملک تعمداً نقض شود هر کدام سبقت در نقض مواد فوق نموده و مخالفت را ابتدا آغاز کرده باشند پس از رسیدگی و تصدیق هیئت حاکمه مبلغ وثیقه را بلاعوض به طرف دگر خواهند داد.

ماده (۸) چون از سالیان چندی به این طرف از طوایف ابوجمعی طرفین داخل در ابوجمعی یکدیگر شده‌اند و چون باید تفرقه‌جات جمع‌آوری شود بنابراین قرار شد تفرقه‌جات^۱ یکدیگر را از پنج سال قبل از این تسلیم یکدیگر نمایند، ترتیب آن را خود جنابان سردار عشایر و قوام‌الملک در موقع ملاقات معین خواهند نمود و قبل از پنج سال هم اگر از طرفین بخواهند به محل خود برگردند مختار خواهند بود. هرگاه در موقع ملاقات ترتیب تفرقه را معین نکردند کلیه این قرارداد بلااثر و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده (۹) دعوی ابوجمعی طرفین از سه سال قبل تا تاریخ امضاء این ورقه از خسارت و غارت به حکمیت هیئت حاکمه باید تسویه و جبران شود.

ماده (۱۰) در کلیه مواد فوق و تسویه دعوی طرفین جناب آقای معین‌التجار ثالث هیئت حاکمه خواهند بود و نظریات ایشان در رأی هیئت حاکمه دخیل و شرط خواهد بود و نیز جنابان سردار عشایر و قوام‌الملک کتباً به تاجری که وثیقه در نزد او گذاشته می‌شود اجازه خواهند داد که وجه وثیقه را به اخطار صاحب وجه به حواله کرد هیئت حاکمه و جناب آقای معین‌التجار بپردازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. منظور از تفرقه‌جات به خانوارهایی که به صورت پراکنده از یک ایل به ایل دیگر مهاجرت می‌کردند اطلاق می‌شد.

سند شماره ۳۵

[.... به صولت‌الدوله ۵ محرم ۱۳۴۱/۶ سنبله ۱۳۰۱]

۵ شهر محرم ۱۳۴۱

تصدقت شوم، همواره از حضرت احدیت جل‌علی استقامت وجود شریف عالی را مسئلت دارم. اینک جویای حالات باشید بحمدالله سلامت، مسئله تلگرافخانه کسب اهمیت کرده، فعلاً چیزی که هست این است هر چه بنده و آقای ناظم‌التولیه و امین‌الواعظین کردیم که بلکه بشود در اطراف نصرت‌السلطنه کاری کرد که بشود بلوایی کرد دیدیم مانع حضرت اشرف است تا بالاخره روز غره محرم در حسینیه قوام‌الملک از طرف آقای ضیاء‌الادبای دعوت شده بودند جمعی از احرار رفقای خودمان و آقای آقامرتضی و آقای آقاسیدجعفر، در این بین از طرف طلاب مدرسه هم رئیس‌العلماء و میرزا احمدحسن دستغیب و جمعی دیگر هم دعوت شده بودند. صبح جمعه غره محرم، رفقای ما بدون خبر در حسینیه قوام‌الملک حاضر شدیم. گفتگو در مقدمه موقوفه صاحب دیوان بود کم‌کم حرف صدراالاسلام به رئیس‌العلماء و حرف آقامرتضی به رئیس‌العلماء گیر [؟] کرد. حرف ناظم‌التولیه به میرزا احمدحسن دستغیب، خورده خورده کار منجر به گفتگوی زیاد شد.

ولی این شورا عرض کنم که قبلاً رئیس‌العلماء و سایرین دسته تدارک کرده بودند که باید این عده را کشت و این دستورالعمل هم از طرف مسترچیک^۱ بوده پس از گفتگوی زیاد یک مرتبه درب حسینیه قوام‌الملک بسته شد. یک عده تفنگچی از طرف حاج‌امین‌السلطنه در اطراف بام جمع شده سرهای تفنگ‌ها به طرف ما بیچاره‌ها باز کردند. چیزی که مانع بود بودن آقاسیدجعفر، والا کار ما را تمام کرده بودند با هر قسمی بود از حسینیه خارج شدیم، آمدیم منزل میرزا احمدعلی‌ملک، برای آنکه قدری عرق گاوزبان بخوریم، بنده و ناظم‌التولیه و امین‌الواعظین دیدیم بهتر از این کاری نیست که باید فوری آقایان را به تلگرافخانه ببریم. هر قسمی بود آقایان را حرکت دادیم به تلگرافخانه. امروز پنج روز است که شب و روز در تلگرافخانه‌یم عده خوبی متضمن شدیم تلگرافات عدیده به دولت شده در عزل نصرت‌السلطنه، مخابرات حضوری با و کلا شده است که در مخابرات آقای ناظم دفتر هم حاضر بودند. آقای آقامرتضی، آقای آقاسیدجعفر، آقای آقارضوی، آقای آقامیرزا ابوالفضل روز که شد هم آقایان به تلگرافخانه حاضر شده نطق‌های عدیده از طرف واعظین شد. ایضاً شب گذشته هم حضوری با و کلاء بود و تلگرافات دیگر هم شد.

به هر حال خیلی رفقا گله‌مندانه از آقامیرزا عبدالله‌خان درومانی [؟] و آقامیرزا محمدباقر، [چون] یکی یکی آنها را کسی ملاقات تاکنون نکرده چه علنی و چه محرمانه به هر حال، کار نداریم که بخواهیم بگوئیم این کار ماها کردیم که یک مرتبه دست چند نفر از اشخاصی که کاملاً با قوام‌الملک مربوط بودند داخل کار نمائیم، از قبیل ضیاء‌الادبای، صدراالاسلام، حاج‌اعتمادالاسلام ولی فرداست که نمایندگان حضرت اشرف، عریضه‌های پی‌درپی در دست که ما همچو کردیم ما نه را ده کردیم، ما شاخ بز را [....] چپش کردیم. اما

۱. مسترچیک، قنصل انگلیس در شیراز.

چیزی که اینجا خیلی لازم است. این است که فوری باید حضرت اشرف چند تلگراف پی‌درپی به وزیر جنگ کرده باشند که حرف حضرات در تلگرافخانه حسابی است. باید نصرت‌السلطنه منفصل شود. این مسئله خیلی لازم است، که فوری باید انجام می‌کرد. ریاست تلگرافخانه هم تغییر کرده [رئیس جدید] پسر [؟] باشی است گویا یه [یک] آدمی نیست تاکنون خلاقی از او مشاهده شده است. [باشد] پس از آنکه ماها حاضر در تلگرافخانه شدیم نصرت‌السلطنه توسط سردار ناصر که دوهزار تومان پول بین روضه‌خوان‌ها تقسیم کرده و بین رؤسای اصناف پولی داده ماها بیچاره‌ها قلم دادند، اما افسوس که سحر یا معجزه پهلو بزند دل خوشی [....] به هر حال منتظریم که فوری از طرف آباءه تلگرافات حضرت اشرف چه رمزاً و چه من غیر رمز به دولت شده باشد که انشاءالله تعالی کار خاتمه پیدا نماید. رفقای حاضر این تلگرافخانه سلام می‌رساند. آقاعلی در این راه به همراه نیست مدتی است که از رفقای حاضر کناره گرفته و به دسته این طرف آن هم معلوم نیست است.

حضور مبارک حضرت آقای محمدناصرخان و آقای ملک‌منصورخان عرض سلام دارم موفقیت حضرت اشرف را از خدا خواهانم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی